

# جایگاه ارتباطات آیینی به منظور ترویج گفتمان توسعه در ایران

(مورد مطالعه: چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴)\*

علیرضا باقری ده‌آبادی\*

علی‌اکبر فرهنگی\*\*

محمد سلطانی فر\*\*\*

افسانه مظفری\*\*\*\*

## چکیده

مسئله توسعه و نوسازی در ایران که متأثر از جریانات و تحولات مختلف تاریخی و سیاسی در یک‌صد سال گذشته بوده است، همچنان مرکزیت خود را در کانون مباحث اجتماعی و سیاسی حفظ کرده است. با گذشت بیش از شصت سال از تاریخ برنامه‌ریزی در ایران و آزمون‌وخطاهای متعدد، در سال ۱۳۸۲ سند چشم‌انداز بیست‌ساله که جایگاه ایران را در افق ۱۴۰۴ نشان می‌داد، تصویب و ابلاغ شد. متأسفانه به‌رغم جایگاه رفیع این سند که پس از قانون اساسی مهم‌ترین سند بالادستی کشور محسوب می‌شود و همچنین تأکيدات مکرر مقامات عالی نظام، آن‌طور که انتظار می‌رفت توفیقی جهت تبدیل شدن به یک گفتمان در عرصه عمومی پیدا نکرد. در این پژوهش، نمونه‌ای هدفمند از اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد مصاحبه عمیق از نوع نیمه ساختاریافته و اکتشافی قرار گرفتند و با توجه به روش تحقیق داده‌بنیاد، مفاهیم به‌دست آمده پس از انجام فرایند کدگذاری‌های سه‌گانه (باز، محوری و انتخابی) بررسی و تحلیل شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که الگوی ارتباطات آیینی به دلیل قابلیت‌های ذاتی و کارکردی آن و همچنین تناسب با زمینه‌های داخلی از جمله بستر تاریخی و فرهنگی موجود در ایران، از ظرفیت‌های مناسبی برای ترویج گفتمان توسعه در حوزه عمومی برخوردار است که متأسفانه تاکنون از این ظرفیت و در جهت توسعه، بهره‌گیری مطلوبی به عمل نیامده است. لذا این پژوهش باهدف ایجاد قابلیت به‌منظور بهره‌گیری مؤثر از ارتباطات آیینی در طرح‌های مهم اجتماعی از جمله توسعه، صورت گرفته است.

## واژگان کلیدی

توسعه ایران، چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران ۱۴۰۴، حوزه عمومی، ارتباطات آیینی، گفتمان توسعه

• این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «جایگاه مدل ارتباطات آیینی به منظور ترویج گفتمان توسعه و ارائه مدل در این زمینه» (مورد مطالعاتی: ایران ۱۴۰۴) است.

\* دانشجوی دکتری تخصصی علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

Email: bagherideh@yahoo.com

\*\* استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)

Email: dr\_aafarhangi@yahoo.com

Email: msoltanifar@yahoo.com

\*\*\* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

Email: dr.afsaneh.mozaffari@gmail.com

\*\*\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۵

تاریخ ارسال: ۹۵/۳/۱۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۸۱ / زمستان ۱۳۹۵ / صص ۶۰-۲۷

## جستار گشایی

از منظر تاریخی، برنامه‌ریزی نظام‌مند برای توسعه ایران، به تحولات پس از شهریور ۱۳۲۰ برمی‌گردد. با این وجود، مسئله عقب‌ماندگی که جزء دغدغه‌های اساسی نخبگان سیاسی، اداری و اجتماعی کشور بوده است، به نخستین مواجهه ایرانیان با غرب در قرن نوزدهم بازمی‌گردد (حائری، ۱۳۶۷)؛ به طوری که تاکنون آثار متعددی با رویکردها و دریچه‌های متفاوت، پیرامون این مسئله به رشته تحریر درآمده است. به‌طور کلی در دوره قاجار، مسئله عقب‌ماندگی و ضرورت توسعه و نوسازی در ایران میان روشنفکران و حتی شخص پادشاه و کارگزاران وی که با مسافرت به اروپا متوجه عمق مشکلات شده بودند، ضرورتی شفاف و بدون ابهام بود، اما توان و امکانات لازم برای تغییر این وضعیت به دلیل مشکلات ساختاری و شرایط عمومی کشور تقریباً امری محال بود و برخی اقدامات انجام‌شده در این دوره نیز تأثیر زیادی در دگرگونی اجتماعی نداشت. در دوران پهلوی اول، به دلیل عمق مشکلات و خرابی‌های کشور، فکر توسعه و عمران، با توجه به نیاز عاجل داخلی و فاصله زیاد ایران با سایر کشورهای دنیا، وابسته به اقدامات و تفکر شخص رضاشاه بود. در چنین شرایطی به‌طور طبیعی تفکر نظام‌مند برای توسعه و عمران کشور وجود نداشت؛ هرچند میزان درک و آگاهی حکومتگران و همچنین شتابی که در اجرای کارهای عمرانی وجود داشت نیز، فرصتی برای برنامه‌ریزی یا تهیه طرح و نقشه اقتصادی باقی نمی‌گذاشت (کاموری‌مقدم، ۱۳۸۱: ۱۲). با این حال، این موضوع به معنای نبود تلاش‌هایی برای سامان‌دادن به وضعیت برنامه‌ریزی در کشور نیز نبود؛ چراکه *ابوالحسن/ابتهاج* در همین سال‌ها تأکید می‌کرد تا زمانی که برای کارهای کشور نقشه‌ای وجود نداشته باشد، وضع مملکت درست نخواهد شد. او همچنین استدلال می‌کرد «کشوری مانند ایران با امکانات مالی و نیروی انسانی محدود و احتیاجات نامحدود، قادر نیست ظرف مدت کوتاهی، کلیه احتیاجات خود را تأمین کند؛ بنابراین باید دید مهم‌ترین و ضروری‌ترین کارهایی را که می‌توان در مدتی معین و با بودجه‌ای معین انجام داد، کدام هستند؛ در غیر این صورت، دولت دست به کارهایی خواهد زد که ممکن است به خودی خود مهم باشد، ولی از دید کلی احتیاجات مملکت مفید نبوده، بلکه مضر هم باشند» (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۲۹۷). با وجود اقدامات عمرانی در این دوره و تفاوت فاحشی که کشور نسبت به دوره قاجار پیدا کرد، پژوهشگران تصویر چندان مطلوبی از این دوران به‌دست نمی‌دهند. برای نمونه *کاتوزیان* اقدامات انجام‌شده در این دوران را با عنوان استبداد شبه‌مدرن ایرانی تحلیل و توصیف می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

برنامه‌های توسعه و عمران کشور در دوره پهلوی دوم، اگرچه نسبت به برنامه‌های قبلی، مدون و فنی‌تر بود، اما در مجموع این برنامه‌ها با توجه به پیامدهایی که در جامعه بر جای

گذاشتند، موفق ارزیابی نمی‌شوند. افزایش وابستگی به خارج، مصرفی شدن شدید جامعه، ایجاد بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از شکاف فاصله طبقاتی در جامعه از پیامدهای عینی در این زمینه بود. متأسفانه پایه برنامه‌های عمرانی در ایران طی این سال‌ها بر اساس نسخه‌های خارجی و بدون توجه به واقعیت‌های اجتماعی ایران نوشته شد. اعتراف به این موضوع از زبان مک‌لئود که از مشاوران گروه هاروارد بود، مهم است. «ما با وجود تمام موفقیت‌های خود به‌عنوان یک اقتصاددان و مدیر اجرایی هیچ شناختی درباره خود ایران یعنی تاریخ، سنت‌ها، فرهنگ و به‌ویژه مذهب مردم آن نداشتیم ... همکاران ایرانی همواره به ما یادآوری می‌کردند که مذهب نقش چندانی در اصلاحات اجتماعی ایران ندارد. کاملاً مشخص بود که این ارزیابی غلط است، اما ما به قدری سردرگم بودیم که خود نمی‌توانستیم به ارزیابی معنی‌دار نقش مذهب در جامعه ایران دست یابیم» (مک‌لئود، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

نکته مهم دیگری که درخصوص دلایل عدم توفیق اجرای این برنامه‌ها قابل ذکر است، دورماندن و عدم مشارکت مردم در تحقق این برنامه‌ها بود. ضعف مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم نیز از اشکالات نظام برنامه‌ریزی در این دوران بود. اشتباه مشاوران خارجی این بود که برنامه را بدون مشارکت مؤثر سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی ایرانیان و با روش‌های فنی خود پیش بردند. به عبارتی، مردم آثار مادی توسعه و عمران کشور را می‌دیدند، ولی از درک واقعی مسائل اطلاعی نداشتند. در این رابطه مک‌لئود می‌نویسد: «ما در برنامه‌ریزی ایران با همکاران ایرانی درگیر بودیم. آنها مدام تأکید می‌کردند که باید تحولات اجتماعی در ایران صورت بگیرد و ما معتقد بودیم که این درست نیست و ما با همان تحولات فنی که صورت می‌دهیم، می‌توانیم ایران را به توسعه برسانیم ... ما بعد متوجه شدیم که همکاران ایرانی ما درست می‌گفتند» (مک‌لئود، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲). از مطالب و اشاره‌های مک‌لئود چنین استنباط می‌شود که نسخه تجویز شده از سوی غرب برای توسعه ایران کاملاً بر اساس نسخه نوسازی کلاسیک بوده که صاحب‌نظران آن معتقد بودند رشد اقتصادی و انتقال نوآوری‌ها از غرب به کشورهای جهان سوم، باعث تحول در بخش‌های مختلف یک جامعه می‌شود. درحالی‌که در مورد ایران، به دلیل عدم تغییر زیرساخت‌ها و تداوم مشکلات ساختاری که در شکل جدیدی خود را نشان می‌دادند، برنامه‌های توسعه به توفیق دست نیافتند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه که در دوران پیش از انقلاب طراحی شده بود، به دلیل بروز انقلاب و جایگزینی ارزش‌های جدید متوقف شد (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۳۳). با آغاز جنگ تحمیلی و اداره کشور بر اساس اولویت‌های مورد نیاز برای دفاع، این روند سرعت بیشتری گرفت. با پایان جنگ تحمیلی، ضرورت بازسازی و اداره کشور بر اساس

برنامه‌های مدون پنج‌ساله دوباره مطرح شد که با اجرا شدن دو برنامه پنج‌ساله توسعه، دست‌اندرکاران کشور به این واقعیت رسیدند که بدون داشتن افق مشخصی برای توسعه و پیشرفت، برنامه‌های توسعه راه به‌جایی نخواهند برد. از همین‌رو، در سال ۱۳۷۹ برای نخستین بار در ایران، اندیشه طراحی چشم‌انداز بیست‌ساله در دولت وقت مطرح و برنامه‌ریزی برای طراحی و تدوین آن آغاز شد که در نهایت در سال ۱۳۸۲ پس از بررسی‌های مختلف در نهادهایی، چون دولت، سازمان برنامه‌بودجه وقت، مجلس شورای اسلامی ایران و مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تصویب رسید و از سال ۱۳۸۴ که هم‌زمان با اجرای برنامه چهارم توسعه بود، به مرحله اجرا درآمد (رضایی و مبینی دهکردی، ۱۳۸۵: ۱۷۹) و تا امروز حدود نیمی از زمان آن سپری شده است. این سند که در واقع به دنبال شصت سال تجربه برنامه‌ریزی تدوین و ابلاغ شد به‌عنوان مهم‌ترین سند پس از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۱۶) شمرده می‌شود. در واقع، آنچه که بر اهمیت و ضرورت تحقق این سند می‌افزود، این موضوع است که تدوین و ابلاغ چشم‌انداز بیست‌ساله به‌نوعی خاتمه‌ای بر سال‌ها پراکنده‌کاری در عرصه برنامه‌ریزی و توسعه کشور بود و مسیر و افق توسعه در کشور را در چهار برنامه پنج‌ساله مشخص می‌کرد. چنان‌که کشورهای دیگر نیز مانند مالزی، ترکیه، عربستان، قطر و ... با طراحی چشم‌اندازهای توسعه، از سال‌ها قبل همین مسیر را در پیش گرفته‌اند. توضیح لازم این‌که، اگرچه چشم‌اندازنویسی تجربه جدید در جمهوری اسلامی ایران و اساساً کل کشورهای جهان محسوب می‌شود، ولی با مطالعه برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب اسلامی، به‌ویژه برنامه پنجم، مشخص می‌شود اندیشه تدوین برنامه بلندمدت توسعه (فرا‌تر از پنج یا هفت ساله) از سال‌ها قبل جزء دغدغه‌های مطرح در نظام برنامه‌ریزی کشور بوده است، اما به دلیل مسائل ساختاری و فرهنگی حاکم بر مدیریت کشور، این اندیشه در آن سال‌ها جامه عمل نپوشید.

بنابراین، چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک سند بالادستی حکم نقشه راه برای تمام برنامه‌ریزی‌های حال و آینده کشور برای نیل به اهداف توسعه یا ایران ۱۴۰۴ را دارد. آگاهی از مفاد و عناصر به‌کاررفته در آن صرف‌نظر از یک سند ملی و رسمی، موجب تسریع در روند اهداف مورد نظر در سند مذکور می‌شود. از سوی دیگر، این سند مهم‌ترین معیار در خصوص مسیری است که کشور برای نیل به توسعه می‌پیماید. از همین‌رو، به هر میزان توسعه و تعمیق ارزش‌ها و مفاهیم این سند در حوزه عمومی کمرنگ شود، به همان میزان حساسیت در سطوح دیگر را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد.

بیانات رهبری در خصوص دلایل الزام در تحقق این سند، به‌اندازه کافی اهمیت موضوع را نشان می‌دهد: «...نقشه راه، سند چشم‌انداز است. سند چشم‌انداز را هیچ نایبستی مورد غفلت قرار داد. این حقیقتاً یک سند واقعی و یک نقشه راه حقیقی است...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲) یا «... اگر بی‌توجه به این سند بسیار مهم، ۱۰ سال جلو برویم، طبعاً در مدت باقیمانده امکان تحقق اهداف چشم‌انداز، دیگر وجود نخواهد داشت؛ بنابراین باید دولت افرادی را مأمور کند که عاقلانه با تدبیر و تدبیر، به این پرسش اساسی پاسخ دهند که آیا پیشرفت در سند چشم‌انداز متناسب با زمان طی شده، بوده است؟...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۸) یا این سخن ایشان که: «... یک مسئله دیگر، مسئله رسیدن به چشم‌انداز است. این چشم‌انداز هدف‌گذاری شده است، یک سند بالادستی است؛ باید ما این را حتماً رعایت کنیم... اگر چنانچه عقب مانده‌ایم، ضربه خواهیم خورد. آن روز در آن جلسه هم مطرح شد که مسئله چشم‌وهم‌چشمی مطرح نیست؛ مسئله این است که در این چالش عمومی و میدان تحرکات عمومی دولت‌ها در این برهه از زمان، اگر کسی عقب ماند، پایمال خواهد شد. پیشرفت اقتصادی ما و رسیدن به اهداف چشم‌انداز، به خاطر این است که اگر چنانچه به آنجا نرسیدیم، ملت ما و کشور ما دچار ضربات سختی خواهد شد؛ احیاناً ضربات مهلکی به ما وارد خواهد آمد. باید به آنجا برسیم؛ این نیاز ماست...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۶). همچنین سایر مسئولان عالی‌رتبه کشور نیز در سخنان خود به اهمیت آن اشاره کرده‌اند. از جمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که این سند را چارچوب اصلی برنامه‌های کشور دانسته است (آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳).

بنابراین ضرورت انجام این پژوهش در چند دلیل عمده و مهم نهفته است. نخست به اهمیت ذاتی موضوع پژوهش بازمی‌گردد که ناظر بر مهم‌ترین و نخستین سند طراحی شده برای توسعه و پیشرفت کشور در افق ۱۴۰۴ است؛ به طوری که تمام برنامه‌ریزی‌ها و مسیر توسعه کشور در آینده معطوف به شناخت و پیاده‌سازی اصول و ارزش‌های همین سند است. از سویی، مقطع زمانی انجام این پژوهش است. در حال حاضر حدود نیمی از زمان اجرای سند چشم‌انداز گذشته است و فرصتی دیگر برای آزمون و خطا وجود ندارد. به عبارتی توفیق یا شکست در اجرای چشم‌انداز به شدت بر ذهنیت و عمل حوزه عمومی در آینده تأثیرگذار خواهد بود. نکته بعدی خلأ و فقر تحقیقاتی در حوزه بررسی چشم‌انداز است که این مسئله خود از واقعیتهای غمناک در این حوزه خبر می‌دهد. شاید بتوان این موضوع را در امتداد عدم حساسیت در حوزه عمومی ارزیابی کرد که فقط بر عمق مشکل می‌افزاید. از سوی دیگر، ردیابی و شناسایی اصول و عناصر مورد نظر در جهت توسعه و تعمیق بیشتر در حوزه عمومی می‌تواند راهنمای تدوین

الگوی چشم‌انداز آتی کشور برای سال‌های بعد از ۱۴۰۴ شود؛ چراکه بی‌تردید با خاتمه‌یافتن زمان چشم‌انداز در سال ۱۴۰۴ لزوم برنامه‌ریزی برای ترسیم یک چشم‌انداز دیگر که افق توسعه را در ۲۰ یا ۳۰ سال آینده مشخص کند، وجود دارد.

با ملاحظه مطالب بالا، مرور طرح‌های توسعه از گذشته تا امروز (چنان‌که اشاره شد) حاکی از آن است که عمده تجربیات و اقدامات انجام‌شده در زمینه اجرای برنامه‌های توسعه، بر پایه مدل انتقال صورت گرفته است. حال آنکه این مدل، گذشته از آنکه جزو عناصر حاکم در پارادایم نوسازی<sup>۱</sup> محسوب می‌شود، معمولاً با ارزش‌های درونی و فرهنگی جوامع مطابقت ندارد که یکی از عوامل ناکامی این پارادایم در کشورهای جهان سوم، همین واقعیت است. لذا این پژوهش با هدف ایجاد ظرفیت‌سازی جدید به منظور بهره‌گیری مؤثر از ارتباطات آیینی (به‌عنوان بدیل الگوی انتقال) در طرح‌های مهم اجتماعی از جمله توسعه، صورت گرفته است. نکته مهم دیگری که توجه به این ضرورت و هدف را به‌صورت همراه و هم‌زمان مضاعف می‌کند، نیاز الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت به یک الگوی مؤثر برای گفتمان‌سازی است که از نقطه‌نظر پژوهش حاضر، ارتباطات آیینی ظرفیت مناسبی برای این هدف به شمار می‌آید.

**مسئله پژوهش.** با توجه به اهمیت و جایگاه آرمانی و هدایتگری چشم‌انداز بیست‌ساله برای نیل به افق ایران ۱۴۰۴، آن‌گونه که شایسته و لازم بوده این سند مورد توجه مسئولان، نخبگان و مردم قرار نگرفته است. در این رابطه با وجود اینکه حدود نیمی از زمان مورد نظر برای تحقق اهداف مندرج چشم‌انداز می‌گذرد، متأسفانه در حوزه عمومی نیز که مهم‌ترین عرصه کنش اجتماعی است، نه‌تنها عناصر و ارزش‌های به‌کاررفته در این سند ملی و راهبردی چندان روشن نیست، بلکه اقبال و پیگیری مطلوبی برای درک و آگاه‌شدن عمومی از آن وجود ندارد. در این رابطه باوجود برخی پیشرفت‌ها، متأسفانه ارقام و آمار موجود بیانگر عقب‌ماندگی چشم‌انداز نسبت به اهداف تعیین‌شده است (معمارزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۲). یکی از مسائل مهمی که در این میان کمتر به آن پرداخته‌شده، بیگانگی و حتی کمتر شناخته‌شدن چشم‌انداز بیست‌ساله نزد حوزه عمومی و حتی حوزه نخبگان است. در این خصوص شاید بتوان دلایل زمینه‌ای متنوعی را برشمرد که هر یک اهمیت خاص خود را دارد.

اما از نقطه‌نظر این پژوهش، بررسی و تحلیل سخنان و اقدامات صورت‌گرفته در زمینه ترویج مفاهیم این سند در حوزه عمومی، بیانگر این است که عمده اقدامات و سخنان انجام‌شده در این زمینه، در قالب الگوی انتقال بوده است. اگرچه الگوی انتقال به‌صورت یک پارادایم

ارتباطی، هنوز یکی از پرنفوذترین الگوها در پدیده‌های ارتباطی به شمار می‌رود، اما کاربرد این الگو در موضوعاتی که نیازمند مشارکت و ایمان مشترک مخاطبان برای همراه شدن است، چندان مؤثر نیست. از آنجاکه سیاست‌گذاری و هدایت یک جنبش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از الزامات تحقق چشم‌انداز محسوب می‌شود» (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۹) و تا زمانی که مردم به‌طور مؤثر در فرایند برنامه‌ریزی توسعه مشارکت نداشته باشند، عملاً هیچ برنامه و چشم‌اندازی موفقیت‌آمیز نخواهد بود؛ لذا بررسی و کاربست الگویی فراتر از الگوی انتقال، برای فراهم کردن زمینه و افزایش مشارکت و باور عمومی نسبت به مفاهیم و ارزش‌های نهفته در سند چشم‌انداز کشور و ایران ۱۴۰۴ و همچنین ارزیابی و پیشنهاد مدل ارتباطی مؤثر در معرفی و تعمیق چشم‌انداز مذکور در حوزه عمومی، مسئله اصلی این پژوهش به شمار می‌رود.

**چارچوب نظری پژوهش.** مفهوم و کارکرد آیین از دیرباز، مورد توجه اندیشمندان چون *امیل دورکیم*<sup>۲</sup>، *میشل فوکو*<sup>۳</sup>، *پیر بوردیو*<sup>۴</sup> و *ژان بودریار* و در حوزه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و دین نیز مورد توجه برخی اندیشمندان چون *برونیسلاو کاسپر مالینوسکی*<sup>۵</sup>، *لوی اشتراوس*<sup>۶</sup> و *ویکتور ترنر*<sup>۷</sup> قرار گرفته است. با این وجود، مراتب استفاده و کاربست آیین در تحلیل مسائل از درجات متفاوتی برخوردار بوده است. چنانکه دورکیم آیین را ابزاری می‌دانست که جمع به‌وسیله آن، عقاید جمعی خود را خلق و آنها را تجربه می‌کند و در فرایند آیین، ذهن و جسم به وحدت می‌رسند و به‌صورت همراه در ابراز معنا مشارکت می‌کنند<sup>۸</sup>، اما *کلیفورد گیرتز*<sup>۹</sup> برخلاف شیوه تقلیل‌گرای دورکیم آیین‌ها را نه از آن جهت که نظم اجتماعی و مهم‌تر از آن، جهان‌بینی گروه‌های اجتماعی را باز می‌نمایند، بلکه به این دلیل که آن را می‌سازند و به مردم الگویی برای شناخت واقعیت می‌دهند، دارای اهمیت می‌داند (رودنیولر، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۵). بدون تردید آرای دورکیم که در کتاب *حیات صور دینی*<sup>۹</sup> در زمره نخستین دیدگاه‌ها در این‌باره محسوب می‌شود، نقش به‌سزایی در توجه به این مسئله، به‌ویژه نزد ساختارگرایان داشت. از نظر دورکیم، جامعه برای پیوند اجزای خود از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که آیین یکی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود.

2 David Émile Durkheim

3 Paul Michel Foucault

4 Pierre Bourdieu

5 Bronislaw Kasper Malinowski

6 Levi Strauss

7 Victor Turner

8 Clifford Geertz

9. The Elementary Forms of the Religious Life

در این رابطه دیدگاه یا برداشت آیینی از ارتباطات، نخستین بار توسط جیمز کری<sup>۱۰</sup> و در اثر مشهور وی به نام *ارتباطات به مثابه فرهنگ*<sup>۱۱</sup> به عنوان یکی از دو استعاره مهم ارتباطات معرفی شد. ارتباطات آیینی جریان علمی متأخری است که ایده اصلی آن، تعامل هرچه بیشتر مطالعات ارتباطی و مطالعات فرهنگی و لذا می توان آن را حرکت از مطالعات ارتباطی صرف به سوی مطالعات فرهنگ و ارتباطات تلقی نمود. به همین دلیل، کری نگاه آیینی را رویکردی فرهنگی به ارتباطات می دانست (Karey, 2009: 19-20). نگاهی که در جستجوی ارزش ها و معانی است. جیمز کری در سال ۱۹۷۵ نظریه ای در چارچوب مدل آیینی به عنوان جایگزین نظریه انتقالی - که نظریه مسلط در ارتباطات محسوب می شد- پیشنهاد کرد. او از روشی در مطالعه ارتباطات و جامعه حمایت کرد که در آن فرهنگ نقش محوری می یابد. او می نویسد: «زندگی اجتماعی فراتر از قدرت و تجارت است... زندگی اجتماعی شامل مشارکت در تجربه زیبایی شناختی، عقاید دینی، ارزش ها و احساسات فردی و باورهای روشنفکرانه - نظم آیینی- نیز هست» (Karey, 2009: 34). در این راستا، او ارتباطات را فراگردی نمادین توصیف می کند که واقعیت در آن ساخته، نگهداری و بازسازی شده و انتقال می یابد (Karey, 2009: 34). بر همین اساس، جان فیسک،<sup>۱۲</sup> اهمیت دو مکتب عمده در مطالعه ارتباطات را بیش از بقیه می داند. نخستین مکتب (به عنوان الگوی حاکم) ارتباط را انتقال پیام<sup>۱۳</sup> می داند و مکتب دوم آن را تولید و تبادل معانی برمی شمارد (فیسک، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰).

فیسک در توضیح رویکرد انتقالی<sup>۱۴</sup> می نویسد: «رویکرد انتقالی، ارتباط را [فرایند] انتقال پیام می داند و به این مسئله می پردازد که چگونه فرستندگان و گیرندگان، رمزگذاری و رمزگشایی می کنند و چگونه انتقال دهندگان، کانال ها و رسانه ارتباطی را به کار می گیرند» (فیسک، ۱۳۸۶: ۱۱). دلمشغولی دیگر این رویکرد، موضوعاتی همچون کارایی است. رویکرد انتقالی، ارتباط را روندی می داند که شخص از راه آن بر رفتار یا ذهنیت دیگری اثر می گذارد؛ اگر اثر، از آنچه مورد نظر بود متفاوت یا کمتر از آن باشد، این دیدگاه مایل است که از آن در چارچوب شکست ارتباط حرف بزند و در فرایند کار به مراحل توجه کند تا دریابد شکست در کجا رخ داده است. لذا تعامل اجتماعی را فراگردی توصیف می کند که شخص از راه آن با

10. James W. Carey

11. *Communication as Culture*

12. John Fiske

13. *Transmission of Message*

14. *Transmission approach*



دیگران ارتباط برقرار می‌کند یا بر رفتار، ذهنیت و واکنش عاطفی دیگری تأثیر می‌گذارد و پیام را چیزی می‌بیند که روند ارتباط، آن را انتقال می‌دهد.

فیسک سپس به تشریح رویکرد آیینی<sup>۱۵</sup> در مقابل رویکرد انتقالی می‌پردازد. رویکرد آیینی، ارتباط را تولید و تبادل معنا می‌داند و دلبسته آن است که چگونه پیام‌ها یا متن‌ها در تعامل با مردم قرار می‌گیرد تا معنا تولید کند؛ یعنی به نقش متن‌ها در فرهنگ وابسته است. ارتباط با اصطلاحاتی مثل مشارکت، همدلی، همراهی و داشتن باور و ایمان مشترک همراه می‌شود. این رویکرد نه به بسط پیام در فضا که به بقای جامعه در طول زمان توجه دارد. در این رویکرد آنچه اهمیت دارد، عمل دست‌به‌دست شدن اطلاعات نیست، بلکه تجلی باورهای مشترک است. رویکرد آیینی بر دلالت<sup>۱۶</sup> به‌عنوان رابطه متن و فرهنگ در یک اجتماع تأکید ورزیده و روش اصلی آن نیز نشانه‌شناسی است (فیسک، ۱۳۸۶). افزون بر این، ارتباطات آیینی جریان علمی متأخری است که ایده اصلی آن، تعامل هرچه بیشتر مطالعات ارتباطی و مطالعات فرهنگی و لذا می‌توان آن را حرکت از مطالعات ارتباطی صرف به سوی مطالعات فرهنگ و ارتباطات تلقی کرد. به همین دلیل، کری نگاه آیینی را رویکردی فرهنگی به ارتباطات می‌دانست؛ نگاهی که عمدتاً در جستجوی ارزش‌ها و معانی است (Karey, 2009: 19-20).

به‌طور کلی، ساختارگرایان آیین را به‌عنوان ابزاری برای تحلیل ذات پدیده اجتماعی به‌کار بستند. از نظر ساختارگرایان، آیین‌ها و اسطوره‌ها فعالیت‌هایی هستند که به‌واسطه آنها جوامع، همبسته و همساز می‌شوند و نظم اجتماعی به‌وسیله ارزش‌های نهفته در آیین درونی و ابراز می‌شود.

با توجه به مطالب بالا، می‌توان ساخت اجتماعی روابط و عمل اجتماعی در جوامع انسانی را که می‌تواند متأثر از پیوند اسطوره و آیین باشد، در اینجا مشاهده کرد. از سوی دیگر، فرهنگ رفتاری و نوع نگرش مردم یک اجتماع نسبت به جهان پیرامون، نسبت وثیقی با این مسئله دارد. در اینجا تقدم و تأخر آیین بر اسطوره دیگر مطرح نیست. مهم نقش تأثیرگذار آنها در یک اجتماع است. همان‌طور که اشاره شد، آیین‌ها و اسطوره‌ها اگرچه ممکن است در ابتدای تشکیل، ماهیت متفاوتی نسبت به زمان حال داشته باشند؛ با این‌وجود این واقعیت خود بیانگر آن است که جوامع انسانی تمایل دارند اسطوره‌ها و آیین‌ها را همیشه در کنار زندگی اجتماعی خود به‌عنوان یک منبع عظیم هویتی حفظ کنند. از همین‌رو، استخراج مبانی هویتی و تأثیرگذار از درون آیین‌ها و اسطوره‌ها برای خلق و پیشبرد بسیاری از برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی،

15. Ritual Approach

16. Signification

ظرفیت بالقوه‌ای است که باید در برنامه‌ریزی‌های مختلف اجتماعی از جمله توسعه که موضوع فرهنگ‌سازی محور اساسی آن است، جدی تلقی شود. به‌ویژه آنکه سرچشمه نظم‌های وسیع اجتماعی و زندگی جدی و نیز مشارکت فعال در مسائل کلان اجتماعی به‌صورت بالقوه، به کیفیت استفاده از آیین و اسطوره و کاربست آنها در صحنه‌های اجتماعی بستگی دارد. بر اساس تعریف رودنبولر «آیین اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی مناسب برای تأثیرگذاری نمادین بر زندگی جدی یا مشارکت در آن طراحی شده است» (رودنبولر، ۱۳۸۹: ۱۱۱). در این تعریف به‌درستی و بدون آنکه آیین به مناسک و مراسم مذهبی تقلیل داده شود، پدیده‌ای عام و از جنبه رفتاری مورد نظر واقع شده که از طرف افراد و به‌صورت کاملاً ارادی در زندگی روزمره طراحی و اجرا می‌شود.

از سوی دیگر، مفهوم آیین در فرهنگ‌های مختلف دارای کارکرد و حتی معانی متفاوتی است؛ چنانکه در فرهنگ ایرانی طیف متنوعی از معانی از جمله رسم، عادت، رفتار، خلق‌وخو، سیره، طبع و غیره برای آن ذکر شده است که مجموع همه این معانی، اشاره به ساختار فکری و رفتاری ایرانیان می‌کند. از میان ویژگی‌های آیین که رودنبولر برمی‌شمرد، چهار ویژگی آن در مبحث گفتمان و در ارتباط با اسطوره، تصور اجتماعی و بازنمایی قابل‌توجه است. این چهار ویژگی عبارتند از: ۱- توجه به امر قدسی به‌عنوان عنصری از زندگی جدی؛ ۲- وجود نمادهای تأثیرگذار در آیین؛ ۳- جمعی و اجتماعی بودن؛ ۴- بیانگر روابط اجتماعی بودن (رودنبولر، ۱۳۸۹: ۷۰-۳۷). این ویژگی‌ها حکایت از نقش آیین در هدایت و نظم‌بخشی به زندگی و روابط روزمره است که در اعماق فکر و رفتار انسان‌ها نهادینه شده است. به‌نحوی که در بازنمایی بسیاری از امور، به‌ویژه در موقعیتی که طبق نظر موسکویسی با فقدان اسطوره مواجه هستیم، نقش اساسی ایفا می‌کند.

همچنین مفهوم عاطفی و همبستگی آیین نیز یکی از مفاهیم اساسی نظریه اجتماعی دورکیم است که در حفظ نظم اجتماعی [و عامل بازدارنده بی‌قراری‌ها] مؤثر عمل می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳). از نظر او چهار کارکرد عمده دین یعنی: انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش، به‌عنوان نیروهای اجتماعی مهم، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ نظم اجتماعی دارند. در این رابطه وی معتقد بود: «آیین‌های مذهبی از راه تحمیل انضباط بر نفس و قدری خویش‌داری، انسانها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند. تشریفات مذهبی مردم را گرد هم می‌آورد و بدین‌سان، پیوندهای مشترکشان را دوباره تصدیق می‌کنند و در نتیجه، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۰-۱۵). اگرچه این مفهوم قدری محافظه‌کارانه به نظر می‌رسد، با این‌وجود نافی اهمیت و نقش مؤثر آیین در ایجاد

ثبات و پایداری نظم اجتماعی نیست. موضوعی که در ثبات‌بخشی به یک گفتمان نیز قابل تسری است.

در این رابطه با مقایسه رویکردهای حاکم بر الگوی انتقال (مورد تجویز پارادایم نوسازی) و مدل آیینی ارتباطات، قابلیت‌ها و تفاوت این دو مدل نیز بیشتر نمایان می‌شود. در الگوی انتقال، بر انتقال یک‌طرفه پیام، نوآوری و ... تأکید می‌شود که دقیقاً نقطه مقابل ارتباطات آیینی است که بر اساس رویکرد مشارکت و همدلی استوار است. دوم تأکید الگوی انتقال بر رشد اقتصادی به‌عنوان عامل پیشرفت و دگرگونی اجتماع است، درحالی‌که رویکرد ارتباطات آیینی چنان‌که جیمز کری تصریح می‌کند، بر اساس فرهنگ استوار است (Karey, 2009: 19-32). از همین‌رو، او کتاب خود را نیز به نام *ارتباطات به‌مثابه فرهنگ نام‌گذاری* کرد. سوم اینکه الگوی انتقال که بسیج اجتماعی<sup>۱۷</sup> نیز منبعث از آن است، الگویی از بالا به پایین یا عمودی است. درحالی‌که اساس ارتباطات آیینی که بر محور مشارکت استوار است، عمده‌تأفق است. چهارم اینکه در الگوی انتقال که مورد اجرای پارادایم نوسازی است، دولت‌ها نقش محوری در پیاده‌سازی و پیشبرد برنامه‌های توسعه دارند، اما در صورت کاربست ارتباطات آیینی، این محوریت از دولت‌ها و نهادهای رسمی به عموم مردم گسترش می‌یابد.

با توجه به آنچه اشاره شد، آیین و ارتباطات برخاسته از آن، از ثبات و پایداری به‌مراتب بالاتری نسبت به سایر الگوهای ارتباطی برخوردار است و عموماً از نوعی مقبولیت عام و مشروعیت تاریخی در اجتماع سود می‌برد که به دلیل دیرینگی و پیشینه آن، همیشه تصور غالب را به خود معطوف می‌کند. این مسئله با توجه به رابطه متقابل آیین و اسطوره و نقش‌آفرینی در ایجاد و توسعه یک گفتمان و همچنین حضور بی‌قراری‌ها و نقاط شکاف، بسیار تعیین‌کننده است. از همین‌رو، با توجه به نقش و تأثیر ارتباطات آیینی در معنابخشی به تصورات عمومی در مردم ایران، ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی و افق ایران ۱۴۰۴ به‌عنوان یک مطالعه موردی، در قالب الگوی ارتباطات آیینی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

**روش پژوهش.** با توجه به ماهیت و مسئله پژوهش و همچنین ساختار پرسش‌ها در این پژوهش، روش *گرداندن تئوری*<sup>۱۸</sup> یا نظریه داده‌بنیاد که یکی از رویکردهای کیفی به شمار می‌آید، (منصوریان، ۱۳۹۰) به‌عنوان روش غالب در این پژوهش انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت. در روش داده‌بنیاد ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مشابه دیگر روش‌های تحقیق کیفی، مصاحبه، مشاهده

17. Social Mobilization

18. Grounded Theory

و غیره است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۹). در پژوهش حاضر، به دلیل شرایط خاص حاکم بر فضای تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها از راه مصاحبه (از نوع عمیق) صورت گرفت که البته برای روایی بیشتر، محقق به تحلیل محتوای اسناد و همچنین اظهارات مصاحبه‌شوندگان در موقعیت‌های دیگر نیز پرداخت که کمک بسیار مؤثری به درک بهتر مسئله پژوهش کرد. با توجه به جایگاه حقیقی و حقوقی مصاحبه‌شوندگان، پرسش‌هایی در سه زمینه جایگاه، موانع و راهکارهای ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله به صورت نیمه‌ساختاریافته<sup>۱۹</sup> و اکتشافی<sup>۲۰</sup> تنظیم شد که در طول مصاحبه، برای دستیابی به داده‌های غنی‌تر، محقق ضمن حفظ اهداف پرسش، مصاحبه عمیق بدون ساختار را نیز به دلیل فضای حاکم بر مصاحبه، بارها در جریان گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار داد. البته این کار در بسیاری از موارد برای تسهیل در همراهی بیشتر مصاحبه‌شونده به‌عنوان یک ضرورت و به یک شیوه غالب تبدیل می‌شد.

درمجموع نظریه داده‌بنیاد با رویکردهایی همچون تحلیل محتوای کیفی و پژوهش مبتنی بر روایت<sup>۲۱</sup> را می‌توان رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر دانست. در نظریه داده‌بنیاد، کار گردآوری داده تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه گردآوری چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید؛ بنابراین پژوهشگر ناگزیر است گردآوری داده را تا رسیدن به نقطه اشباع<sup>۲۲</sup> ادامه دهد. یکی از نشانه‌های رسیدن به نقطه اشباع، روبه‌رو شدن با داده‌های تکراری<sup>۲۳</sup> است. از همین رو، در پژوهش حاضر که شیوه جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مصاحبه بوده، بر همین قاعده عمل شده است.

مرحله بعدی در جریان پژوهش، شامل روش‌های تحلیلی، تعبیر و تفسیری است که برای رسیدن به یافته‌ها یا نظریه‌ها به کار می‌رود. این روش‌ها شامل شیوه‌های مفهوم‌پردازی از داده‌ها است و این مرحله به کدگذاری موسوم است و چگونگی آن بر حسب نوع آموزش، تجربه و هدف پژوهشگر تغییر می‌کند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۰). جوهره کار نظریه داده‌بنیاد تشخیص و شناسایی موضوعات یا زمینه‌های موجود در متن و کدگذاری متن از لحاظ وجود یا نبود این زمینه‌هاست. کدگذاری، جریان آزاد متن را به مجموعه‌ای از متغیرهای اسمی تبدیل می‌کند.

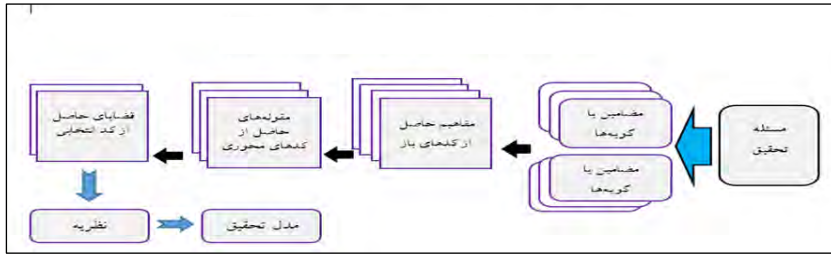
19. Semi-structured interviewing

20. Exploratory

21. Narrative Research

22. Saturation Point

23. Repetitive or Duplicated Data

**شکل (۱) - چارچوب مفهومی روش تجزیه و تحلیل**


جامعه و نمونه پژوهشی. با توجه به اینکه موضوع توسعه و چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در شمار مسائل کلان و راهبردی کشور محسوب می‌شود؛ بنابراین جامعه هدف<sup>۲۴</sup> برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش شامل، اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده که بر اساس حکم مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ مقام معظم رهبری به این سمت منصوب و تاکنون باقی مانده‌اند و در تدوین و اجرای چشم‌انداز بیست‌ساله یا مسئله توسعه در ایران، به نحوی در گذشته و حال دخیل بوده و همچنان مسئله توسعه در ایران، جزء یکی از حوزه‌های اصلی مطالعاتی و کاری آنها است.

در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری مورد استفاده پژوهشگر از نوع غیراحتمالی و با روش قضاوتی به‌طور منظم و هدفمند صورت گرفته است. باید توجه داشت که در نمونه‌گیری قضاوتی، پژوهشگر افراد خاصی را به‌صورت غیراتفاقی انتخاب می‌کند (از کیا و آستانه، ۱۳۸۲). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، روش داده‌بنیاد یکی از رویکردهای تحقیق کیفی محسوب می‌شود و در پژوهش‌های کیفی نمی‌توان از ابتدا حجم ثابتی برای نمونه تعریف کرد؛ بنابراین مطالعه را باید تا نقطه اشباع پیش برد (Chamberlain, 1995). در تحقیق حاضر، پژوهشگر به‌صورت منظم و هدفمند و به‌قصد اطلاع از نظرات اعضای جامعه مورد پژوهش، پس از مذاکره حضوری و توضیح درخصوص موضوع پژوهش، ابتدا ۳۴ فقره درخواست مصاحبه همراه با محورهای پرسشی تنظیم و تحویل اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام نمود. با آنکه تقریباً تمامی آنها با انجام مصاحبه در این خصوص موافقت کردند، اما به دلیل شرایط خاص مصاحبه‌شوندگان و محدودیت زمانی برای هماهنگی، امکان عملی برای انجام گفتگو و مصاحبه عمیق با دوازده نفر از اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام فراهم آمد. با این‌وجود، پژوهشگر به دلیل ارتباط کاری با حوزه و جامعه مورد پژوهش، فرایند جمع‌آوری اطلاعات از سایر اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام را به‌صورت ادواری و در موقعیت‌های پیش‌آمده ادامه و موفق به کسب

اطلاعات ارزشمندی شد که از نظر کیفیت اطلاعات دریافتی بسیار مؤثر بود. از سوی دیگر، با توجه به وجود گرایش‌ها و سلیق سیاسی و اجتماعی متفاوت در میان اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، محقق در انتخاب نمونه‌های مورد نظر، سعی کرد تا تنوع فوق در میان مصاحبه‌شوندگان تا حد زیادی رعایت شود.

در این رابطه، اگرچه در مصاحبه‌های نهم و دهم اشباع نظری پیرامون موضوع پژوهش حاصل شد، اما کنجکاوی شخصی و همچنین امکان توصیف غنی داده‌ها<sup>۲۵</sup> و همچنین اهداف دیگری که در ضمن تحقیق به صورت اکتشافی پدید آمد، پژوهشگر را واداشت تا دامنه مصاحبه را تا جایی که ممکن بود با سایر مسئولان و پژوهشگری که در زمینه توسعه و چشم‌انداز فعال بودند، ادامه دهند.

اعتبار پژوهش. مهم‌ترین معیار درستی سنجش در تحقیق، اعتبار<sup>۲۶</sup> یا روایی آن است. با توجه به موضوع و نوع ساختار پرسش‌ها در این پژوهش، روش داده‌بنیاد که یکی از رویکردهای کیفی به شمار می‌آید، به عنوان روش غالب در این پژوهش انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت. برای تأمین اعتبار پژوهش حاضر، عمدتاً از روش ارزیابی چهارگانه لینکلن و گوبا (معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی) استفاده شده است. این چهار روش رایج در اکثر پژوهش‌های کیفی، عبارتند از: اطمینان یا اعتمادپذیری<sup>۲۷</sup>، تأییدپذیری<sup>۲۸</sup>، انتقال‌پذیری<sup>۲۹</sup>، اعتبار و وثوق<sup>۳۰</sup> (Lincoln & Guba, 1985; Petty et al, 2012).

همچنین برخی صاحب‌نظران برای افزایش قابلیت اعتماد و اعتبار درونی، روش‌های گوناگونی را نیز پیشنهاد داده‌اند که کنش متقابل سه‌گانه یا مثلث‌سازی<sup>۳۱</sup> یکی از این موارد است (دلور، ۱۳۹۰: ۲۳۸). در مجموع پژوهش حاضر برای تأمین روایی و پایایی، از کلیه روش‌های مذکور بهره برده است.

در نهایت، در این پژوهش، با رعایت ملاحظات بالا، ضمن صرف زمان کافی برای تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر، فرایند پژوهش با چند متخصص در میان گذاشته شد که پس از تأیید، به منظور حصول اطمینان بیشتر، با مشورت از کدگذاران مطلع، نسبت به سنجش روایی

25. Thick Data Describes

26. Validity

27. Dependability

28. Confirmability

29. Transferability

30. Credibility

31. Triangulation

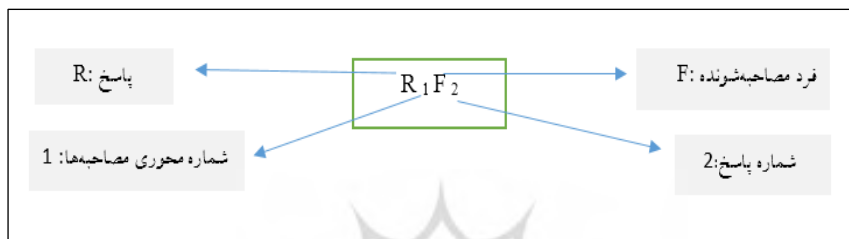
پرسش‌ها و کدهای استخراجی اقدام شد. همچنین با توجه به موضوع و جایگاه مصاحبه‌شوندگان، از ابتدا تمام اظهارات به‌منظور مراجعه مجدد جهت سنجش اعتبار و رفت‌وبرگشت میان مفاهیم برای تبیین مناسب موضوع و همچنین پاسخگویی احتمالی، به‌دقت ضبط، ثبت و پیاده‌سازی شد. با این‌وجود، در زمینه اعتبار پرسش‌ها برای سنجش موضوع مورد نظر، در ابتدای کار مجموعه‌ای از پرسش‌ها در خصوص اهداف تحقیق تنظیم گردید که در جریان دومین مصاحبه مشخص شد که برخی پرسش‌ها برای تأمین هدف پژوهش، از اعتبار لازم برخوردار نیستند. این موضوع دو دلیل عمده داشت. نخست، برخی مصاحبه‌شوندگان با مفهوم ارتباطات آیینی و نقطه مقابل آن یعنی الگوی انتقال با ابهام مواجه بودند که پس از مشورت با صاحب‌نظران نسبت به مفهوم‌سازی عملیاتی اقدام و در ادامه با توزین داده‌ها در تحلیل نهایی مسئله مرتفع شد. از سوی دیگر، به دلیل رابطه متقابل میان عدم ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله در حوزه عمومی و مسئله کیفیت ترویج آن، برخی اظهارات که ناظر بر دلایل عدم ترویج بود، در جریان مصاحبه غلبه پیدا می‌کرد. لذا پژوهشگر برای غلبه بر این موضوع با روش پرسش‌های اکتشافی درصدد اخذ نظر مصاحبه‌شونده در خصوص هدف تحقیق برمی‌آمد.

یکی دیگر از روش‌هایی که در این پژوهش مکرراً مورد استفاده قرار گرفت، مراجعه به سخنان قبلی مصاحبه‌شوندگان در مناسبت‌های مختلف بود. پژوهشگر از این راه اعتبار داده‌های دریافتی و مفاهیم به‌دست‌آمده در طول مصاحبه را با اظهارات قبلی آنها مقایسه و ارزشیابی می‌کرد. همچنین تمام مصاحبه‌شوندگان نسبت به موضوع یعنی ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله، دارای اطلاعات تخصصی بودند و اساساً موضوع در حوزه مأموریت‌های کاری آنها قرار داشت که این مسئله موجب سندیت و اعتبار بالای سخنان آنها می‌گردید. همچنین در جریان مصاحبه، برخی مفاهیم به‌دست‌آمده در مصاحبه‌های دیگر برای تأییدپذیری به بحث گذاشته شد.

**تشریح چگونگی روند کدگذاری و استخراج داده‌ها.** با توجه به اینکه شیوه‌های متعددی برای کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه و گردآوری اطلاعات از مراجع مختلف در روش نظریه داده‌بنیاد وجود دارد، در این پژوهش سعی شده با تلفیق چند روش متعارف کدگذاری، جداول مرکبی به‌دست آید، به‌نحوی که ارتباط گویه‌ها یا مضامین، مفاهیم و مقولات با یکدیگر مشخص و کار دسترسی و تجزیه‌وتحلیل برای پژوهشگر و مخاطب سهل‌تر شود. لذا مراحل زیر اجرا شده است:

تمام اطلاعات و مضامین دریافتی از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در این تحقیق به تفکیک در سه محور تعیین‌شده در مصاحبه‌ها، گردآوری و نسبت به استخراج مفاهیم از تحلیل داده‌ها اقدام شده است.

همچنین به هر مشارکت‌کننده یا مصاحبه‌شونده، یک کد اختصاصی بر اساس ترتیب حروف الفبای انگلیسی (A,B,C,D,...) اختصاص داده شد. برای مشخص ساختن پاسخ مصاحبه‌شونده‌ها، به هر پاسخ یک شماره اختصاص داده شد. همچنین حرف R انگلیسی (نخستین حرف واژه Reply به معنای جواب) برای مشخص ساختن و تفکیک چهار عنصر به کاررفته در نگاره یعنی: پاسخ، فرد مصاحبه‌شونده، شماره پاسخ و شماره محوری مصاحبه‌ها، در نظر گرفته شده است. برای نمونه مفهوم  $R_1F_2$  که در شکل زیر آمده، بدین شرح است:  $R_1F_2$  = پاسخ پرسش‌های محور نخست مصاحبه‌ها مربوط به پرسش دوم از فرد مصاحبه‌شونده.



به این ترتیب سه مرحله به شرح زیر وجود خواهد داشت:

۱) استخراج مفاهیم ناشی از تحلیل داده‌ها با افراد مصاحبه‌شونده (مطابق با نگاره شماره ۱)؛

۲) تعیین مقولات حاصل از مرحله کدگذاری باز<sup>۳۳</sup> (مطابق با نگاره شماره ۲)؛

۳) تفکیک مقولات فرعی مربوط به هر یک از محورهای سه‌گانه مصاحبه به‌منظور استفاده در مرحله کدگذاری محوری<sup>۳۳</sup> (مطابق با نگاره شماره ۳).

نگاره شماره (۱) - بخش‌هایی از مفاهیم استخراج‌شده از تحلیل مضامین ارائه‌شده از سوی

مصاحبه‌شوندگان در هر سه محور

مفاهیم	گویه‌ها یا مضامین	نشان‌گر	
مزیت اختیاری بودن آیین	آیین چون اختیاری است، می‌توان از ظرفیت‌های آن در برنامه‌ریزی استفاده کرد.	$R_1B3$	محور نخست مصاحبه
تناسب آیین با باور عامه	الگوی اسلامی توسعه که ارتباطات آیینی مقوم آن است، متناسب با باور مردم است	$R_1B5$	
اهمیت باور و عمل در اسلام	ایمان و عمل صالح (کار خوب) که آیین اسلام سفارش کرده، رکن همه امور است	$R_1C4$	
باور عمیق در آیین	آیین هنجارها و ارزش‌هایی دارد که باور عمیق پشت آن نهفته است.	$R_1E2$	

32. Open Coding

33. Axial Coding



تصورات نادرست	برخی مفاهیم و اعتقادات در کشور ما ضد توسعه و پیشرفت و حتی عقل است.	R <sub>2</sub> B7	محور دوم مصاحبه
لزوم احترام آیینی به قانون	قانون‌گرایی و احترام به قانون باید به یک رفتار آیینی در نزد همه ایرانیان تبدیل شود.	R <sub>3</sub> B3	
لزوم شاخص‌سازی بر مبنای قابلیت آیین	ما نتوانسته‌ایم شاخص‌های توسعه بر اساس الگو و ارزش‌های اسلامی را کمی کنیم. در حوزه ارتباطات آیینی نیز ما با این مشکلات مواجه هستیم که باید ابهام‌زدایی شود.	R <sub>2</sub> B9	
پیوست ارتباطی و تبلیغی	سند چشم‌انداز بیست‌ساله پیوست ارتباطی و تبلیغی نداشته است	R <sub>2</sub> E3	
اصلاح آیین‌گزینش افراد	آیین‌گزینش و انتخاب ما برای به کمینه‌رساندن فردگرایی نیاز به اصلاح دارد.	R <sub>3</sub> F2	
برنامه برای بهره‌از آیین	برای استفاده از توان و ظرفیت آیین‌ها و ارتباطات برخاسته از آن، برنامه‌ریزی لازم است.	R <sub>3</sub> B4	
نقش نخبگان	باید تصورات عمومی مردم از مسائل تغییر پیدا کند. این وظیفه برعهده نخبگان است.	R <sub>3</sub> I4	محور سوم مصاحبه
اعتماد عمومی	مردم وقتی آثار توسعه و بالا رفتن شاخص رفاه و زندگی خودشان را ببینند، همراه می‌شوند و به دولت و وعده‌هایش اعتماد می‌کنند.	R <sub>3</sub> J6	

**نگاره شماره (۲) - مقولات حاصل از مرحله‌گذاری باز در خصوص محور اول مصاحبه**

مفاهیم	مقولات فرعی	ابعاد	ویژگی‌ها	ردیف
قدرت، تأثیر، نفوذ اجرا، ساخت‌تصور اجتماعی، بازنمایی، ایجاد انسجام جمعی تقویت روح جمعی، فعال‌بودن	فردی تا اجتماعی ضعیف تا قوی درونی تا بیرونی فرهنگی تا اعتقادی	قابلیت ارتباطات آیینی	R1A9-R1B7-R1B9-R1C8- R1D1-R1D2-R1D3-R1E4- R1E5-R1E7-R1E8 -R1F1- R1F3-R1G1- R1G3- R1I1- R1B8- R1K1- R1B3- R1I2 - R1A7 R1N4- R1O5	۱
اعتقادی، شناختی استمرار، مناسبتی، باور مشترک، داوطلبانه و اختیاری‌بودن، درونی‌بودن، دیرنگی، اعتماد اجتماعی، مخاطبان سرمایه اجتماعی	کم تا زیاد فردی تا اجتماعی عینی تا ذهنی	جایگاه آیین	R1A3-R1F2-R1C9-R1F3- R1E4-R1E6-R1H3-R1H4- R1I1- R1K4- R1F2- R1D1- R1M1 R1P2- R1Q1	۲
انسجام، هماهنگی، یکپارچگی، استمرار، رفتار	فردی تا اجتماعی	انضباط و نظم	R2D2- R1H4- R1K4 -R1F2- R1A8 R1O1- R1O3- R1O4	۳
برنامه‌ریزی، اجرا نظارت‌پذیری، فرهنگ‌سازی، رفتار و عادت	مردم تا نخبگان عمومی تا سازمانی	اصل مشارکت	R1A5-R1B11-R1D3-R1D5- R1H2-R1J2-R1J3- R1K5- R1K6- R1L1- R1L2- R1L2- R1K4 R1L1- R1L2- R1P1	۴

<p>باورهای آیینی جهت‌گیری و کیفیت اعتقادی، فرهنگی تاریخی</p>	<p>فردی تا اجتماعی سطحی تا عمیق مردم تا مسئولان</p>	<p>باورپذیری</p>	<p>R1A2-R1A4-R1A10-R1B5- R1C4-R1D4- R1E-R1F2- R1G2- R1G3- R1G4- R1H1-R1J2- R1A6 R1N3- R1P3</p>	<p>۵</p>
<p>رفتارها، نمادها ارزش‌ها، مقبولیت عامه، نفوذ</p>	<p>مثبت تا منفی عینی تا ذهنی مستقیم تا غیرمستقیم</p>	<p>نهادی‌شدن رفتار آیینی</p>	<p>R1B10-R1D6-R2D3-R1E1- R1E3-R1K3</p>	<p>۶</p>

بنابراین به تعداد افراد مصاحبه‌شونده، نگاره‌ای حاوی داده‌های مربوط به هر سه محور مصاحبه وجود خواهد داشت. به عبارتی این مرحله به صورت هم‌زمان شامل استخراج مفاهیم از گویه‌ها در هر سه محور مصاحبه و همچنین تعیین مقولات فرعی خواهد بود. در ادامه با به دست آمدن گویه‌ها و مضامین مورد نظر، نسبت به طبقه‌بندی مفاهیم مشابه و مقوله‌بندی آنها اقدام شد. نام‌گذاری و انتخاب مقوله‌ها به هدف تحقیق، ارتباط مفاهیم با یکدیگر و روش و استنباط پژوهشگر بستگی دارد. به‌رحال مقوله‌های تعیین‌شده باید خصلتی جامع‌ومانع داشته باشند و پژوهشگر را در مسیر درست تحقیق هدایت کنند. استراس و کوربین درک ماهیت، خصوصیات، ابعاد و رابطه میان مقوله‌ها را شرط لازم برای تحلیل نهایی و تدوین نظریه مبنایی می‌دانند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۷۰)

### نگاره شماره (۳) - مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج‌شده در فرایند پژوهش

ردیف	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	پدیده محوری
۱	شرایط عالی جهت کارست ارتباطات آیینی	<p>قلبیت و تقویت ارتباطات آیینی</p> <p>جایگاه ارتباطات آیینی</p> <p>اصل مشارکت</p> <p>کارنامه مؤثر آیین</p> <p>انضباط و تقه</p>	<p>قابلیت ارتباط آیینی</p>
۲	شرایط میانجی جهت کارست ارتباطات آیینی	<p>نقش خبگان</p> <p>آزادی و عدم تحميل</p> <p>انضباطی یا نیاز مردم</p>	
۳	زمینه و بستر کارست ارتباطات آیینی	<p>جایگاه (نقشه) ارتباطات آیینی</p> <p>سابقه تاریخی و فرهنگی</p> <p>پیوند باور و عمل</p> <p>نیواری شدن رفتار آیینی</p>	
۴	استراتژی یا راهبردهای کارست ارتباطات آیینی	<p>۱- استراتژی اصلی</p> <p>راهبردهای فرعی شناختی</p> <p>پیش‌برنده</p> <p>۲- استراتژی اصلی</p> <p>تنبیه عوامل بازدارنده</p> <p>راهبردهای فرعی احساسی</p> <p>راهبردهای فرعی مدیریتی</p>	
۵	پیامد یا نتایج کارست ارتباطات آیینی	<p>همانگی حوزه عمومی با ارتباطات آیینی</p> <p>ایجاد یکپارچگی و انسجام</p> <p>ساخت اجتماعی واقعیت</p> <p>توسعه باور و تصورات مشترک</p> <p>قابلیت تبدیل و هم‌نشینی با عناصر گفت‌وگو</p>	

پس از انجام کدگذاری باز و محوری و مشخص شدن الگوهای پارادایمی آغاز می‌شود. مرحله سوم کدگذاری به مقایسه مفاهیم استخراج‌شده از دل داده‌ها برمی‌گردد. در این مرحله، پژوهشگر تلاش کرده است با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی‌شده در دو مرحله قبل به استحکام بیشتر فرایند کدگذاری پرداخته و با تأکید بر بخش‌هایی که در تدوین نظریه می‌توانند نقش مهم‌تری ایفا کنند، به تسهیل مراحل بعدی کمک کند (منصوریان، ۱۳۸۵) در کدگذاری انتخابی،<sup>۳۴</sup> فرایند کدگذاری محوری در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌یابد. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله هسته‌ای<sup>۳۵</sup> شناسایی و سایر مقولات به صورت نظام‌مند با آن ارتباط داده می‌شوند (Chamberlain, 1995). مقوله یا مقولات هسته‌ای، مقولاتی هستند که بیشترین قدرت تبیین را دارند و علاوه‌بر امکان اشباع کامل، می‌توانند به انسجام تحقیق کمک کنند. انسجام‌دادن به مقوله‌ها با هدف شکل‌دادن به چارچوب نظری نخست انجام می‌گیرد.

در این پژوهش، قابلیت ارتباطات آیینی به‌عنوان مقوله هسته‌ای در جهات مختلف دارای فراوانی بود. به طوری که اغلب مصاحبه‌شوندگان بر اساس قابلیت‌های متفاوت این الگوی ارتباطی، به تبیین نظرات خود می‌پرداختند. برای دستیابی به مقوله هسته‌ای، تمام مضامین و مفاهیم اظهارشده از سوی مصاحبه‌شوندگان (در مراحل سه‌گانه کدگذاری) با ویژگی‌های ارتباطات آیینی مطابقت داده شد. برای نمونه وقتی یک مصاحبه‌شونده اظهار می‌داشت: «در حال حاضر اجماع میان نخبگان وجود ندارد» یا «برای توسعه و اجرای چشم‌انداز بیست‌ساله و افق ایران ۱۴۰۴ تصورات و تفاسیری مختلفی وجود دارد»؛ پژوهشگر این اظهارات را در ردیف مقوله‌شناختی منبعث از باور مشترک به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ارتباطات آیینی قرار می‌داد. با توجه به مطالب بالا و همچنین تجزیه و تحلیل انجام‌شده، قابلیت ارتباطات آیینی، هماهنگی حوزه عمومی با ارتباطات آیینی، ایجاد باور و تصورات مشترک سه مقوله اصلی انتخابی هستند که کاربست ارتباطات آیینی به‌منظور ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله را در کنار مقوله‌های محوری بالا، قابل توجیه می‌کنند.

بر اساس الگوی بالا، مقوله‌های فرعی حاصل از مرحله کدگذاری باز، در قالب پنج بخش مجزا به‌منظور ساخت مقوله‌های اصلی اختصاص داده شد. با توجه به محورهای سه‌گانه مصاحبه‌ها، مقوله‌های فرعی به‌دست‌آمده در هر محور، طبق الگوی پارادایمی بالا، ذیل یک مقوله اصلی گنجانده شد. به این ترتیب ۵ مقوله اصلی و ۲۵ مقوله فرعی از ترکیب مقوله‌های موجود به شرح

34. Selective Coding

35. Core Category

نگاره شماره ۳ به دست آمد. بر اساس مندرجات این نگاره و در یک نمای کلی، فرایند تبدیل مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی در هر سه محور مصاحبه‌های انجام‌شده، مشاهده می‌شود. یافته‌های پژوهش. اگرچه به دلیل تفاوت دیدگاه و تخصص مصاحبه‌شوندگان، دامنه مضامین و گویه‌های ارائه‌شده بسیار متنوع بود؛ با این وجود، پژوهشگر سعی کرده نقاط مشترکی که در تمام دیدگاه‌ها تکرار یا دارای فراوانی بیشتر بوده، استخراج و مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این خصوص با توجه به اینکه همه مشارکت‌کنندگان عضو یک جامعه آماری مشترک بودند، به‌طور طبیعی نسبت به موضوع و فضای تحقیق آگاهی خوبی داشتند. هرچند ممکن بود این پاسخ‌ها از زمینه واحدی برخوردار نباشند، اما رویکرد اصلی همان چیزی بود که در نگاه سایر مشارکت‌کنندگان نیز وجود داشت. برای نمونه سه پرسش که مربوط به پرسش‌های محور دوم و سوم مصاحبه‌ها که به ترتیب در خصوص مشکلات عدم تحقق چشم‌انداز و راهکارهای استفاده از قابلیت ارتباطات آیینی برای ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله برای مقایسه و کیفیت استخراج مفهوم در اینجا عیناً ذکر می‌شود:

۱. «... در بحث سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که بستر ساز حضور بخش خصوصی (و مشارکت مردم) باید می‌شد، در جهت کاملاً عکس عمل شد. سهام عدالت و یارانه‌ها و واگذاری‌ها همه با روح چشم‌انداز و برنامه چهارم و پنجم مغایر بود.»
  ۲. «متأسفانه ما برای مسائل اقتصادی و اجتماعی شاخص ساخته‌ایم، اما در زمینه مسائل مربوط به فرهنگ، باور و ذهنیت که تأثیرات عمیقی بر رفتار دارند، شاخص نساخته‌ایم.»
  - ۳- «در غرب اگر ضوابط به‌صورت آیین درآمده، در کشور ما ارزش‌های آیینی وجود دارند که می‌توانند در صورت برنامه‌ریزی درست، نهادینه شوند.»
- در مثال بالا، گویه شماره ۱ مربوط به یکی از مسئولان سابق اقتصادی و گویه شماره ۲ مربوط به یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و از چهره‌های فرهنگی و مذهبی کشور و گویه سوم مربوط به یکی از وزرای سابق و از چهره‌های فرهنگی کشور است. اگر دقت شود، هر سه نفر در پاسخ‌های خود، به‌نوعی محور برنامه‌ریزی را مدنظر قرار داده‌اند؛ اما یکی از آنها با رویکرد کاملاً اقتصادی و دو شخصیت دیگر با رویکرد کاملاً فرهنگی و ارزشی به مسئله اشاره کرده‌اند. چنانکه از پاسخ‌ها استنباط می‌شود، این تفاوت در مشخصات تبیین‌شده از سوی هر سه مصاحبه‌شونده کاملاً واضح است؛ با این وجود، همان‌طور که اشاره شد آنها بر محور برنامه‌ریزی اشتراک نظر دارند. این رویه تقریباً در تمام مضامین، مفاهیم و مقوله‌های نیازمند تلفیق در این پژوهش اعمال شده و پژوهشگر از همین روش برای کدگذاری محوری و انتخابی بهره برده است.

## ۱. مقوله اصلی نخست در خصوص شرایط علیّی کاربست ارتباطات آیینی به‌منظور تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴

شرایط علیّی به مجموعه شرایطی اطلاق می‌شود که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر وقوع پدیده محوری که در این پژوهش قابلیت‌های ارتباطات آیینی است، تأثیرگذار است. ازنقطه‌نظر این پژوهش، برای کاربست ارتباطات آیینی برای ترویج مفاهیم چشم‌انداز به‌عنوان یک سند بالادستی توسعه، مجموعه شرایطی وجود دارد که می‌تواند پیش‌برنده و در حکم عامل و محرک سایر مقوله‌ها باشد. درواقع، درک و تحلیل شرایط علیّی برای کاربست ارتباطات آیینی در امر توسعه نقش مهمی در پیشبرد و بهره‌رسانی از این رویکرد دارد. همان‌طور که در نگاره شماره ۳ آمده، مقوله اصلی بالا دارای شش مقوله فرعی با عنوان: قابلیت ارتباطات آیینی، جایگاه آیین، اصل مشارکت، پیوند باور و عمل، کارکرد مؤثر، انضباط و نظم است که در قابلیت‌بخشیدن به ارتباطات آیینی به‌عنوان شرایط علیّی برای تحقق مفاهیم چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴ می‌توانند مؤثر واقع شوند.

## ۲. مقوله اصلی دوم در خصوص عوامل و شرایط میانجی پیش‌برنده و بازدارنده برای کاربست ارتباطات آیینی به‌منظور تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴

با توجه به مفاهیم به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های انجام‌شده با مشارکت‌کنندگان، برای استفاده از قابلیت ارتباطات آیینی در ترویج گفتمان چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴ برخی شرایط وجود دارند که وجود یا نبود آنها بر این کارکرد تأثیرگذار هستند. در حقیقت این عوامل و شرایط یا به‌عنوان تسهیل‌کننده و پیش‌برنده یا به‌عنوان مانع و عامل بازدارنده عمل می‌کنند. این مقوله اصلی یعنی عوامل و شرایط میانجی، همان‌طور که از نام آن مشخص است؛ میان مقوله نخست یعنی شرایط علیّی و مقوله سوم یعنی زمینه و بستر کاربست ارتباطات آیینی قرار دارد. لذا وجود این عوامل و شرایط هم بر شرایط علیّی و هم بر بستر، به‌صورت هم‌زمان اثرگذار هستند. بنابراین شناخت این عوامل نقش مهمی در درک کلی مسئله پژوهش و همچنین راهبردهای انتخابی و پیامدها دارد.

بر اساس مفاهیم به‌دست‌آمده از مجموع مصاحبه‌های انجام‌شده در هر سه محور، هفت مقوله فرعی نقش‌نخبگان، آزادی و عدم تحمیل، انطباق با نیاز مردم، آموزش، نظارت، کاهش نقش فرد و قانون‌گرایی، ازجمله عوامل میانجی محسوب می‌شوند که درخصوص کیفیت کاربست ارتباطات آیینی در ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله باید از جنبه‌های پیش‌برنده و بازدارنده بودن، مورد ملاحظه قرار گیرند.

### ۳. مقوله اصلی سوم در خصوص زمینه و بستر کاربست ارتباطات آیینی به منظور ترویج گفتمان چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴

نقش و اهمیت زمینه<sup>۳۶</sup> یا بستر در پدید آمدن محتوا و استمرار یک فرایند ارتباطی بسیار مهم است. زمینه به معنای مجموعه شرایط یا واقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که یک موقعیت یا شرایط را در بر می‌گیرد. دیوید گیل و بریجت آدامز<sup>۳۷</sup> در کتاب *الفبای مطالعات ارتباطی*<sup>۳۸</sup> به مفهوم بافت یا زمینه در ارتباط اشاره می‌کنند و در تعریف آن می‌نویسند: «به محیط یا چارچوبی که در آن، ارتباط واقع می‌شود، بافت یا زمینه می‌گویند. بافت، زمان و مکان و نیز روابط اجتماعی افراد درگیر در ارتباط را در بر می‌گیرد و تأثیری چشمگیر بر رفتار ارتباطی ما دارد» (گیل و آدامز، ۱۳۸۴: ۵۳).

با توجه به مطالب بالا، کاربست ارتباطات آیینی رابطه بسیار نزدیکی با بستر و زمینه ارتباطی دارد. اساساً یکی از دلایل مهمی که پژوهشگر را به بررسی الگوی ارتباطات آیینی به منظور ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴ ترغیب کرد، بستر و زمینه بسیار مساعد و اثرگذار این نوع ارتباطات در ایران است که از نظر ابعاد فرهنگی، تاریخی و اجتماعی بسیار قابل ملاحظه است. ایران به عنوان یک تمدن تاریخی قبل و پس از اسلام، به دلیل برخورداری از آیین‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی از زمینه لازم و مهیایی برای کاربست ارتباطات آیینی در طرح‌های اجتماعی برخوردار است؛ به طوری که تداوم آن از گذشته تا امروز موجب شکل‌گیری یک فرهنگ رفتاری و شناختی از پدیده‌های پیرامونی شده است. ارتباطات آیینی در ایران طیف متنوعی از ابعاد از جمله تاریخی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود که هر یک در جایی اثرگذار هستند. با این وجود بر اساس مفاهیم به دست آمده، عمده توجه مصاحبه‌شوندگان ناظر بر تأثیر ارتباطات آیینی برخاسته از آیین‌های مذهبی بود. از نظر آنها به دلیل تعلق خاطر مردم ایران به امور مذهبی و اخلاقی، جایگاه مناسب‌های مذهبی و آیینی در جامعه ایرانی تأثیر فوق‌العاده‌ای در تحولات اجتماعی معاصر بر جای گذاشته و گذشت زمان جنبه نهادی به آنها داده است.

با توجه به مفاهیم به دست آمده از مصاحبه‌شوندگان، مقوله اصلی زمینه و بستر کاربست ارتباطات آیینی جهت ترویج گفتمان توسعه و ایران ۱۴۰۴، با مقوله‌های فرعی چون جایگاه

36. Context

37. David Gill, Bridget Adams

38. ABC Of Communication Stud

ارتباطات آیینی در ایران، سابقه تاریخی و فرهنگی، کارکرد مؤثر ارتباطات آیینی و آمادگی ذهنی و روحی مخاطبان مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت.

#### ۴. مقوله اصلی چهارم درخصوص استراتژی یا راهبردهای کاربردی ارتباطات آیینی به منظور ترویج گفتمان چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴

طبق نظر استراس و کوربین تعیین استراتژی یا راهبرد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر الگوی پارادایمی، تحت مجموعه خاصی از عوامل به مسائل مهمی چون مدیریت، کیفیت اداره‌کردن و پاسخ مناسب به پدیده محوری بازمی‌گردد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۰۵).

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، مهم‌ترین هدفی که این پژوهش بر اساس آن طرح و اجرا شده است، بررسی کاربردی ارتباطات آیینی برای ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله است. بنابراین کیفیت تحقق این موضوع، هنگام طراحی پرسش‌ها و انجام مصاحبه‌ها مدنظر محقق بوده است. به همین دلیل برای آنکه پیشنهادها و راهکارهای کاربردی ارتباطات آیینی در راستای هدف بالا با نظرات و مضامین استخراج‌شده در مصاحبه‌ها مرتبط باشد، پژوهشگر محور سوم پرسش‌های خود را به این امر اختصاص داد. در این رابطه بر اساس تحلیل مقوله‌های فرعی به‌دست‌آمده در این پژوهش، برای کاربردی ارتباطات آیینی طیف متنوعی از مقوله‌ها وجود دارد که به دلیل کارکرد و ماهیت نزدیک به یکدیگر، قابل تجمیع شدن در یک مقوله جامع هستند. برای نمونه مقوله‌های فرعی مدیریت، نظارت، نگاه بلندمدت، یکپارچگی، قانون‌گرایی و نظام اطلاع‌رسانی ذیل مقوله جامع مدیریت و برنامه‌ریزی؛ همچنین مقوله‌های فرعی نقش فرد، نخبگان، لزوم مشارکت، یکپارچگی و انضباط اجتماعی ذیل مقوله جامع رفتار مشارکت‌کنندگان؛ مقوله‌های فرعی تصور و تفاسیر اجتماعی، باورمندی، زمینه فرهنگی - تاریخی، آموزش و فرهنگ، عادت اجتماعی ذیل مقوله جامع شناختی و مقوله‌های فرعی متناسب با نیاز، آزادی و عدم تحمیل، سرمایه اجتماعی ذیل مقوله جامع ایجاد قابلیت قرار می‌گیرند. لذا بر اساس مطالب بالا، چهار راهبرد فرعی از مقوله‌های فرعی مذکور، قابل احصاء است: ۱- راهبردهای مدیریتی ۲- راهبردهای انسانی ۳- راهبردهای شناختی و آموزشی ۴- راهبردهای ایجاد قابلیت.

در این رابطه، تمام راهبردهای فرعی بالا را می‌توان بر پایه دو استراتژی اصلی؛ یعنی استراتژی پیش‌برنده و استراتژی تغییر شرایط بازدارنده به‌منظور کاربردی ارتباطات آیینی، قابل تدوین دانست که این پژوهش درصدد تبیین راهبردهای فرعی بالا در چارچوب استراتژی‌های کلی دوگانه مذکور است. توضیح آنکه تمام راهبردهای فرعی بالا با توجه به

ماهیت و تأثیرگذاری‌های متفاوت، در قالب هر دو استراتژی اصلی یعنی پیش‌برندگی و تغییر شرایط بازدارنده، قابل تحلیل و بررسی است.

نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد، برای کاربست ارتباطات آیینی به‌منظور ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله، مقوله‌هایی چون ایجاد قابلیت برای بهره‌ر از ارتباطات آیینی، مسئله مدیریت، آموزش و اطلاع‌رسانی و درنهایت تحول در نظام شناخت افراد، باید محور توجه در این زمینه قرار گیرد. از نظر اغلب مصاحبه‌شوندگان تمام مقوله‌های بالا که کارکرد آنها موجب پیش‌برندگی و تغییر شرایط بازدارنده برای بهره‌برداری از قابلیت ارتباطات آیینی می‌شوند، باید در این مسیر مورد شناسایی و اصلاح قرار گیرند. برای نمونه، پدیده مشارکت به‌عنوان یک مقوله فرعی از راهبرد انسانی، بر اساس هر دو استراتژی بالا قابل تعقیب و تبیین است. چنان‌که بر اساس مفاهیم به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های انجام‌شده، یکی از بسترهای مهم و تأثیرگذار برای اصلاح اندیشه و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های انسانی و اخلاقی و ترویج آن در جامعه- یعنی همان چیزی که مدنظر چشم‌انداز بیست‌ساله است- ظرفیت بسیار تأثیرگذار مساجد، کانون‌های مذهبی، مناسبت‌ها و تجمع‌ها است که هر ساله به‌صورت یک آیین تثبیت‌شده در حال برگزاری است. این بستر آماده با تاریخ، فرهنگ و اعتقادات مذهبی مردم پیوند خورده و عنصر باورپذیری به‌عنوان یکی از مقوله‌های تعیین‌کننده، نقش اساسی در شکل‌دادن و پیشبرد آن و همچنین قابلیت فراوانی برای کاربست ارتباطات آیینی دارد؛ به‌طوری‌که بسیاری از مناسبت‌ها و آیین‌ها به دلیل رسوخ عمیق در ذهن و باور مردم، شکل نهادی به خود گرفته‌اند. از سوی دیگر، دامنه وسیع ارتباطات آیینی که سرتاسر کشور و آحاد مردم ایران را در مناسبت‌های مختلف دربرمی‌گیرد، یکی از عوامل مهمی است که از سوی مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید بود. به اعتقاد آنها، این بستر آماده که کاملاً اختیاری و به‌صورت مشارکتی همه‌ساله در حال تکرار است، فرصت مطلوبی برای بیان برخی مسائل عمیق فرهنگی، اجتماعی و شناختی است. در حال حاضر این اتفاق در زمینه مسائل مذهبی و گاه حوزه‌های سیاسی در حال وقوع است. در این رابطه بر اساس آمار منتشره در پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور در سال ۱۳۹۴، بیش از شصت هزار مسجد در کشور وجود دارند- در برخی آمارها تا هفتاد هزار مسجد نیز بیان‌شده که حدود ده هزار عدد آن متعلق به اهل سنت است- که با توجه به نوع ارتباط حاکم در این فضاها که عمدتاً بر پایه ارتباطات آیینی شکل‌گرفته است، نقش مهمی در ترویج مسائل شناختی، فرهنگی و اجتماعی می‌توانند داشته باشند. از همین‌رو، یکی از انتقادهای مطرح در این زمینه که از سوی مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید بود، عدم اتصال نهادهای مروج چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران با کانون‌های مذهبی و آیینی در کشور بود. چراکه به‌زعم آنها، کیفیت



ارتباطات در این مجامع و اجتماعات به گونه‌ای است که هم جنبه استمرار دارد و هم آستانه پذیرش بالایی را برای مخاطبان خود به دلیل حضور داوطلبانه فراهم می‌کند. نکته دیگر اینکه بسیاری از مفاهیم مورد نظر در چشم‌انداز بیست‌ساله مانند انسان متعهد، ایشارگر، مسئولیت‌پذیر، داشتن وجدان کاری، مؤمن و ... از بستر مناسبی در ارتباطات آیینی برای طرح برخوردارند و مستندات و رویه‌های فرهنگی و تاریخی فراوانی آنها را همراهی می‌کنند.

از سوی دیگر، همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برای تحلیل و بررسی نقش و کارکرد ارتباطات آیینی، باید به این واقعیت مهم توجه کرد که ارتباطات آیینی اگرچه در حوزه مناسبت‌های آیینی، به‌ویژه دینی و مذهبی نمود بیشتری دارد، اما نباید در بررسی نهایی، ارتباطات آیینی را به موارد بالا تقلیل داد. در واقع هر جا که اجتماعی از افراد به صورت داوطلبانه، مشارکتی و با ایمان و باور مشترک حضور داشته باشند، زمینه استفاده و تحقق ارتباطات آیینی در آنجا بالاتر است که خوشبختانه در تاریخ و فرهنگ ایرانی زمینه‌های مناسبی برای تحقق این منظور وجود دارد.

## ۵. مقوله اصلی پنجم در خصوص پیامدهای کاربست ارتباطات آیینی به منظور ترویج گفتمان چشم‌انداز ۲۰ ساله و ایران ۱۴۰۴

در صورت بهره‌گیری مطلوب از الگوی ارتباطات آیینی برای ترویج گفتمان توسعه، ظرفیت جدید خلق می‌شود که در پی آن پیشبرد اهداف مهمی چون چشم‌انداز بیست‌ساله یا طرح‌های اجتماعی وسیع را می‌توان تصور کرد. طبق مفاهیم به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان، پیامد کاربست ارتباطات آیینی به‌عنوان مقوله اصلی، دارای مقوله‌های فرعی چون هماهنگی حوزه عمومی با ارتباطات آیینی، ایجاد یکپارچگی و انسجام، کمک به ساخت اجتماعی واقعیت، توسعه باور و تصورات مشترک، قابلیت تبدیل و هم‌نشینی با عناصر گفتمان‌ساز است. حوزه عمومی<sup>۳۹</sup> در این بحث به دلیل ارتباطی که با سایر مقوله‌ها دارد، نقش محوری دارد. حوزه عمومی به دلیل ویژگی‌های ذاتی که دارد، نوع خاصی از ارتباطات را به فرد و محیط تحمیل می‌کند. در حوزه عمومی همان‌طور که *هابرماس*<sup>۴۰</sup> متذکر می‌شود، کنش تفاهمی حاکم است (پدرام، ۱۳۸۸: ۱۲۵) که روح ارتباط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. کنش تفاهمی که می‌تواند ریشه در تسهیم معنای مشترک نیز داشته باشد؛ همان چیزی است که در ارتباطات آیینی بسیار مهم و تعیین‌کننده است. در حقیقت، مشارکت‌کنندگان در ارتباطات آیینی بر اساس

39. Public Sphere

40. Habermus

باورها و ارزش‌های مشترک به‌نوعی کنش تفاهمی دست می‌یابند که در نهایت قابلیت تبدیل به عمل اجتماعی را نیز دارد. ارتباطات آیینی و حوزه عمومی در کارکرد و ایفای نقش، مکمل یکدیگر به شمار می‌روند. این موضوع از طرفی به اشتراکات فراوان و نوع کارکرد و از سوی دیگر به آثار و نتایج این دو مقوله بازمی‌گردد.

### فرجام

پس از بررسی، تحلیل و تلفیق کدهای به‌دست‌آمده در مرحله کدگذاری انتخابی و همچنین بر اساس مقوله‌های به‌دست‌آمده و فراوانی ارجاعات در مفاهیم به‌کاررفته در مصاحبه‌ها، دو مقوله تصورات متفاوت و تفاسیر متفاوت که هر دو منشأ شناختی دارند، بیشترین ارجاع مضمونی را به خود اختصاص داده‌اند. به‌طوری‌که مجموع فراوانی آنها در میان مقوله‌های به‌دست‌آمده در محور دوم پرسش‌ها نیز آشکارا مشخص است. نکته مهم درخصوص این دو مقوله این است که هر دو مقوله جزو مقوله‌هایی بودند که هم در محور نخست پرسش‌ها که ناظر بر جایگاه ارتباطات آیینی بود و هم در محور دوم پرسش‌ها که معطوف به مشکلات و نارسایی‌ها بود و هم در محور سوم که متمرکز بر راهکارهای بهره‌ر از ارتباطات آیینی بود؛ دارای فراوانی ارجاعات از سوی مصاحبه‌شوندگان بود. از آنجاکه بر اساس توضیحات قبلی منشأ تفاسیر متفاوت، تصورات افراد است؛ بنابراین برای تعیین کد انتخابی در محور دوم مصاحبه، می‌توان تصورات اجتماعی متفاوت را مورد گزینش نهایی قرار داد. تصور اجتماعی یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در تحلیل نهایی و تبیین نظریه نقش و جایگاه بارزی دارد.

تصور اجتماعی به دلیل پیوند خوردن با عناصر شناختی معمولاً جزء مباحث جامعه‌شناسی کلان<sup>۴۱</sup> محسوب می‌شود که کارکرد آن ناظر بر ساختار است؛ با این‌وجود در بحث ارتباطات آیینی برای عینی‌تر شدن تأثیرات آن، می‌تواند در مباحث جامعه‌شناسی خرد<sup>۴۲</sup> یعنی آنجا که مباحث و تحلیل‌ها متوجه کارگزار است، مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین از این نظر برای پیشبرد و ترویج طرح‌های اجتماعی وسیع مانند چشم‌انداز بیست‌ساله، ایجاد باور و یک مفاهیم عمومی مشترک پیرامون اهداف و برای توسعه بسیار اهمیت دارد. در این رابطه با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های ارتباطات آیینی، برخاستن و استواربودن فرایند ارتباط بر باور مشترک افراد است، بنابراین بررسی مقوله تصور اجتماعی در چارچوب جامعه‌شناسی خرد، یعنی آنجا که نقش و مشارکت افراد نقش تعیین‌کننده به خود می‌گیرد، یک ضرورت اجتناب‌پذیر است. با

41. Macrosociology

42. Microsociology

توجه به اینکه مقوله تصور اجتماعی در محورهای سه‌گانه پرسش‌ها محل ارجاع مفاهیم بود، پرداختن به این مقوله در دیگر محورها نیز می‌تواند نقش‌آفرینی تصور اجتماعی را آشکارتر کند. به‌رحال طبق مفاهیم حاصل از مصاحبه‌ها، در حال حاضر چه در حوزه عمومی و چه در میان نخبگان، شاهد مفاهیم مشترک معنایی درخصوص چشم‌انداز نیستیم و مهم‌ترین عاملی که می‌توان با توجه به تحلیل مقوله‌ها به‌عنوان کد انتخابی در این محور مورد توجه قرار داد، تصور اجتماعی متفاوت است.

از سوی دیگر، بر اساس مقوله‌های به‌دست‌آمده و فراوانی ارجاعات در مفاهیم به‌کاررفته در مصاحبه‌ها، دو مقوله تصورات متفاوت و تفاسیر متفاوت که هر دو منشأ شناختی دارند، بیشترین ارجاع مضمونی را به خود اختصاص داده‌اند؛ به‌طوری‌که مجموع فراوانی آنها در میان مقوله‌های به‌دست‌آمده در محور دوم پرسش‌ها نیز آشکارا مشخص است. نکته مهمی که درخصوص این دو مقوله قابل‌ذکر است اینکه هر دو مقوله جزء مقوله‌هایی بودند که هم در محور نخست پرسش‌ها که ناظر بر جایگاه ارتباطات آیینی بود و هم در محور دوم پرسش‌ها که معطوف به مشکلات و نارسایی‌ها بود و هم در محور سوم که متمرکز بر راهکارهای بهره‌از ارتباطات آیینی بود؛ دارای فراوانی ارجاعات از سوی مصاحبه‌شوندگان بود. از آنجاکه بر اساس توضیحات قبلی منشأ تفاسیر متفاوت، تصورات افراد است؛ بنابراین برای تعیین کد انتخابی در محور دوم مصاحبه، می‌توان تصورات اجتماعی متفاوت را مورد گزینش نهایی قرار داد. تصور اجتماعی یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در تحلیل نهایی و تبیین نظریه نقش و جایگاه بارزی دارد. بر پایه مقوله‌های به‌دست‌آمده در محور سوم پرسش‌ها و همچنین ارتباط مفهومی و کارکردی آن با سایر مقوله‌ها، مقوله یکپارچگی یا عدم یکپارچگی، کد انتخابی در زمینه محور سوم پرسش‌های این پژوهش به‌شمار می‌آید.

همچنین بر پایه مقوله‌های به‌دست‌آمده در محور سوم پرسش‌ها و همچنین ارتباط مفهومی و کارکردی آن با سایر مقوله‌ها، مقوله یکپارچگی یا عدم یکپارچگی، کد انتخابی در زمینه محور سوم پرسش‌های این پژوهش به‌شمار می‌آید. در این رابطه برخلاف اینکه مقوله مدیریت و برنامه‌ریزی از فراوانی بیشتری برخوردار بود، اما بررسی مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده در محور سوم پرسش‌ها نشان می‌دهد، مسئله لزوم یکپارچگی یکی از مفاهیمی است که در مضامین مورد اشاره به‌وضوح مشاهده می‌شد. برای نمونه این‌گونه که: «... میان نخبگان و مسئولان کشور نوعی مفاهیم یا وحدت نظری و عملی درخصوص چشم‌انداز وجود ندارد» یا این‌گونه «اجرای مطلوب چشم‌انداز نیاز به یک مرکزیت دارد که ... مسئله اجرا و نظارت را دنبال کند»، یا این‌گونه: «اختلافات فردی، سلايق شخصی مانع پیشبرد مطلوب چشم‌انداز

بیست‌ساله شده است» و ...؛ اگرچه این گویه‌ها برای تحقق‌یافتن، ذیل مقوله جامع مدیریت و برنامه‌ریزی می‌گنجد؛ با این وصف، مفهومی که از این گویه‌ها استنباط می‌شود، همه بر محور لزوم یکپارچگی استوار است. از سوی دیگر، مقوله یکپارچگی یکی از مفاهیمی است که هم از بُعد رفتاری و هم از بُعد شناختی باید در تحلیل نهایی به آن پرداخته شود. این مقوله از این برای، با مقوله تصور اجتماعی پیوند وثیقی دارد. همچنین مقوله یکپارچگی تقریباً در هر سه محور پرسش‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان محل ارجاع بود؛ یعنی هنگام برشمردن قابلیت‌های ارتباطات آیینی، نارسایی‌ها و مشکلات مربوط به عدم ترویج چشم‌انداز بیست‌ساله و همچنین راهکارهای مربوط به کاربست این الگوی ارتباطی، مقوله یکپارچگی کاملاً برجسته و مشهود بود.

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده که چارچوب مفهومی آن در شکل شماره ۳ ترسیم‌شده است، کاربست الگوی ارتباطات آیینی بر پایه امتزاج الگوی پارادایمی علی و مقوله‌های ناشی از تجزیه و تحلیل مفاهیم اظهارشده از سوی مصاحبه‌شوندگان، بیانگر ظرفیت و قابلیت این الگوی ارتباطی در ترویج طرح‌های وسیع اجتماعی نظیر توسعه است. چنانکه اشاره شد یکی از ویژگی‌های برجسته ارتباطات آیینی جنبه مشارکتی بودن و برخاستن آن از متن فرهنگ اجتماع است (Carey, 2009: 16). همین ویژگی، قابلیت فوق‌العاده‌ای برای کاربست این الگوی ارتباطی در طرح‌های اجتماعی پدید می‌آورد. امروزه رویکرد بسیاری از نظریه‌های جدید توسعه، ناظر بر تناسب مدل توسعه با زمینه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است. از همین‌رو، نظریه‌پردازان جدید مکتب نوسازی برخلاف اسلاف خود، توسعه در جهان سوم را نیازمند توجه و احترام به سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی جوامع دانسته‌اند (سو، ۱۳۸۸: ۹۰-۶۷). از سوی دیگر، تجربه‌های موفق ترویج برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان سوم که از بافت و ارزش‌های فرهنگی خاص خود برخوردارند، حاکی از نقش به‌سزای رویکرد اجتماع‌محور در پیشبرد توسعه دارد (فرهنگی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۱۶). رویکرد اجتماع‌محور مبتنی بر مشارکت مؤثر مردم در طرح‌هایی است که از این جهت، توان بالایی برای بهره‌ای از ارتباطات آیینی در حوزه عمومی دارد. قرینه دیگری که ارتباطات آیینی را با حوزه عمومی به لحاظ عملکرد پیوند می‌زند، وجوه مشترک میان آنها است. وجود برخی عناصر متعین در هر دو حوزه، نظیر اجتماعی‌بودن، ارتباطی‌بودن، اثربخش‌بودن، داوطلبانه‌بودن و کمک به خلق معنای مشترک؛ قابلیت‌های ارزنده‌ای را برای کاربردی‌کردن ارتباطات آیینی در حوزه عمومی فراهم می‌کند.

بدون تردید، امتزاج و به‌کارگیری اصول مشترک مذکور در امور اجتماعی، این قابلیت ارزشمند و بالقوه را در پی دارد که بسیاری از باورها، احساسات و غیره مربوط به کنشگران را از

مرحله فردی عبور داده و به سطح اجتماعی وارد کند. در پی بروز چنین شرایطی، کنشگران وارد مرحله بسیار مهم و اثرگذار خودانگیختگی<sup>۴۳</sup> می‌شوند. مفهوم خودانگیختگی دارای ابعاد چندوجهی است که در رشته‌های علمی گوناگون، به موضوع بحث و بررسی تبدیل شده است. خودانگیختگی یک وضعیت روحی و روانی خودجوش<sup>۴۴</sup> در توجه فراوان به محیط است که ضمن افزایش خودآگاهی نسبت به افکار و احساسات، افراد را آماده اخذ تصمیم فوری و مسئولانه برای انجام‌دادن یا امتناع از عملی می‌نماید (Roos, 2007: 14).

همان‌طور که از تعریف بالا استنباط می‌شود، موضوع خودانگیختگی با مسئله تصمیم‌گیری رابطه‌ای علت و معلول دارد که این واقعیت، بیانگر عمق اهمیت و تأثیر آن به شمار می‌رود. از سوی دیگر، تولید و توسعه معنا در فرایند ارتباطات آیینی و حوزه عمومی یکی از کارکردهای منحصربه‌فرد این دو قلمرو محسوب می‌شود که نقش به‌سزایی در تحول حوزه ارتباطی ایفا می‌کند. از میان الگوهای موجود در ارتباطات، الگوی تعاملی<sup>۴۵</sup> یا میان‌کنشی که بر اساس تسهیم معنا میان طرفین ارتباط عمل می‌کند، مطلوب‌ترین الگوی ارتباطی از حیث توازن و اثربخش بودن است (فرهنگی، ۱۳۸۵: ۷). همچنین خلق معنا فرایندی اجتماعی است که بر اساس روابط میان کنشی افراد در اجتماع خلق می‌شود و محور اساسی در اینجا خود کنشگران هستند. تدوین یک راهبرد ارتباطی بر پایه الگوی تعاملی از این ظرفیت برخوردار خواهد بود که اولویت را به‌جای پیام و از مجرای انتقال، به مخاطب و در مجرای مشارکت تغییر می‌دهد. این مسئله دقیقاً همان چیزی است که در ارتباط آیینی روی می‌دهد. لذا حوزه عمومی نیز به دلیل بهره‌بردن از کنش ارتباطی و دوربودن از فضای تحمیل و اجبار، به‌طور مؤثری در خلق و توسعه معنای مشترک میان کنشگران و نیز ایجاد ارتباط سالم، نقش آفرینی دارد.

مسئله مهم دیگر اینکه؛ قابلیت نهفته در ارتباطات آیینی برای مقابله با پدیده بی‌قراری<sup>۴۶</sup> است که در شکل‌گیری و ثبات یک گفتمان از نقش تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. در نظریه گفتمان، بر مفهوم بی‌قراری به‌منظور توضیح اختلال در نظم نمادین ناشی از یک گفتمان تأکید می‌شود. بی‌قراری‌ها حوادث یا پدیده‌هایی هستند که همواره نظم و کارکرد گفتمان موجود را به چالش می‌کشند (Laclau, 1990: 39-59).

43. Spontaneity

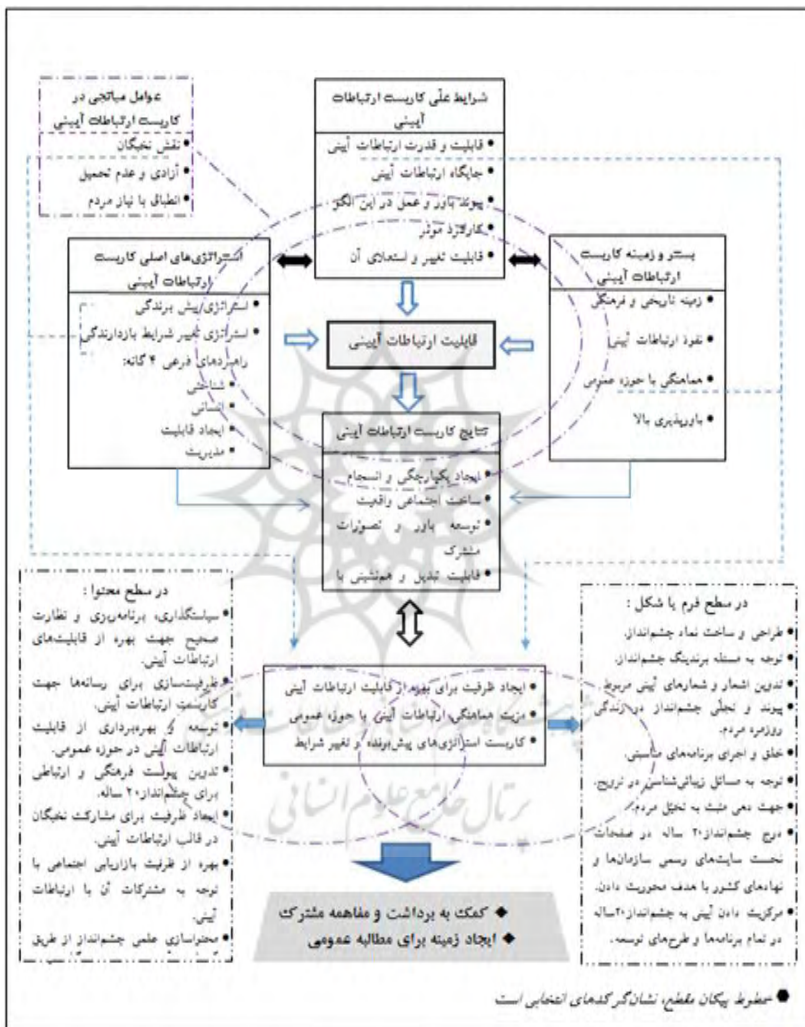
44. Emergent

45. Transaction

46. Dislocation

بی‌قراری‌ها طیف وسیعی از موضوعات را دربرمی‌گیرند که بر اساس یکی از نتایج مهم برخاسته از مفاهیم به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، اعمال سلیق شخصی، تفاسیر و تصورات متفاوت به همراه تبعات آن، برجسته‌ترین عواملی محسوب می‌شوند که گفتمان و پیشبرد چشم‌انداز بیست‌ساله را در حوزه عمومی با چالش مواجه کرده‌اند.

شکل (۲) - الگوی کاربری ارتباطات آیینی به‌منظور ترویج گفتمان توسعه (چشم‌انداز ۲۰ ساله)



در این رابطه ارتباطات آیینی، به دلیل دارا بودن قدرت انتظام‌بخشی نمادین و نیز برخاستن از نظام مشارکت، ایمان و باور مشترک افراد و همچنین حاکم کردن یک نظم نمادین، از قابلیت

بالایی برای تثبیت و کنترل بی‌قراری‌ها در اجتماع برخوردار است که یکی از وجوه مهم و تأثیرگذار آن، کمک به ایجاد تصورات و تفاسیر مشترک در مفاهیم مورد اختلاف است.

همچنین حوزه عمومی و ارتباطات آیینی را می‌توان بستر ایجاد و جهت‌دادن به ساخت اجتماعی واقعیت قلمداد کرد؛ چراکه بر اساس نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، آنچه افراد جامعه به‌منزله واقعیت احساس و درک می‌کنند، برخاسته از کنش متقابل اجتماعی افراد و گروه‌ها در مسیر مذاکره و توافق عمومی در گستره همگانی است. در اینجا میزان تأثیر و سهم این دو مطرح نیست. بلکه تأثیرگذاری بر جریان (ساخت اجتماعی واقعیت) است که مبدأ مهم‌ترین و مؤثرترین مسائل اجتماعی است. در واقع منظور کُری اشاره به طبیعت واقعیت‌ساز ارتباطات داشت که عمدتاً معطوف به آیین و ارتباطات برخاسته از آن بود. از این زاویه، بهره‌گیری از ارتباطات آیینی در حوزه عمومی به دلیل مشترکاتی که با یکدیگر دارند، هم قدرت گفتمان‌سازی در گستره عمومی را ارتقا می‌دهد و هم تغییرات اجتماعی در جهت اهداف مورد نظر را می‌تواند سرعت بخشد. در این میان آنچه ضروری است شناخت صحیح و سیاست‌گذاری مناسب برای استفاده از قابلیت ارتباطات آیینی است. به‌طوری‌که در برنامه‌ریزی‌ها و تدوین راهبردها، نباید ارتباطات آیینی را صرفاً به مسائل مذهبی و مناسک دینی تقلیل داد. از سوی دیگر باید توجه کرد که رویکرد اصلی ارتباطات آیینی مشارکت معنایی در فهم و درک یک پدیده است. بنابراین در برنامه‌ریزی نهایی این موضوع باید نقطه محوری تلقی شود.

بدون تردید ترویج گفتمان پیرامون مسائل عمومی نظیر توسعه و چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، هنگامی از تأثیر و نفوذ برخوردار خواهد بود که در حوزه عمومی نوعی وفاق و مفاهمه را به دنبال داشته باشد یا به‌عبارتی تجلی باور مشترک نتیجه این مفاهمه باشد. ارتباطات آیینی به دلیل قابلیت‌هایی که در خود دارد، می‌تواند سهم به‌سزایی در این مسیر داشته باشد. امروز یکی از مهم‌ترین مشکلات توسعه در کشورهای جهان سوم، فهم و باور متفاوت از اهداف و برای توسعه، در حوزه عمومی و حتی میان نخبگان است. معنابخشی به اجزای تشکیل‌دهنده گفتمان توسعه و انبوهی از نشانه‌های معلق در اجتماع که نوعی بلا تکلیفی برای کنشگران در سطوح مختلف پدید آورده، شاید مهم‌ترین کارکردی باشد که بتوان از ارتباطات آیینی انتظار داشت.

### پیشنهاد‌های پژوهش:

۱) کاربست ارتباطات آیینی در طرح‌های اجتماعی وسیع از قبیل توسعه، باید در سطح فرم و محتوا مورد توجه واقع شود و نباید ویژگی‌ها و قابلیت‌های آن به مناسک مذهبی و دینی

صرف، تقلیل داده شود. در واقع، بهره از ارتباطات آیینی به منظور ترویج گفت‌وگو توسعه، باید ناظر بر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نهفته در این الگوی ارتباطی باشد.

۲) بسیاری از عناصر تشکیل‌دهنده ارتباطات آیینی مانند باور مشترک، حضور داوطلبانه، مشارکت و غیره از مقوله‌های بسیار مهم در بحث سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. کاربست ارتباطات آیینی به میزان توفیق برنامه‌هایی که ذیل این نوع الگو قابل تحقق است، بستگی دارد. بنابراین آخرین تحقیقات و مطالعات انجام شده در سطح ملی که برخی از این شاخص‌ها را مورد بررسی و احصاء قرار داده، باید مورد توجه واقع شود.

۳) استفاده از ارتباطات آیینی در مقابل الگوی انتقال برای طرح‌های اجتماعی گسترده، نیاز به شناخت و برنامه‌ریزی صحیح دارد. لذا با توجه به خاستگاه فرهنگی ارتباطات آیینی، بسیاری از رفتارها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی که منجر بر رفتار بلندمدت و عادت‌شناختی بدل شده؛ در قالب این الگو قابل تحلیل، اصلاح و حتی استعلا می‌باشند.

### منابع فارسی

- ابوالحسن، ابتهاج (۱۳۷۱)، *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*، تهران: علمی.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲)، *روش‌های کاربردی تحقیق*، تهران: کیهان.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵)، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیکر، تریز (۱۳۸۱)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- پدرام، مسعود (۱۳۸۸)، *سپهر عمومی: بررسی اندیشه‌های هانا آرنست و یورگن هابرماس*، تهران: یادآوران.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- دلاور، علی (۱۳۹۰)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: ویرایش.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- رضایی، محسن و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۵)، *ایران آینده در افق چشم‌انداز*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضایی، محسن (۱۳۸۷)، «چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و تحول اقتصادی-اجتماعی»، *مجله راهبرد توسعه*، شماره ۱۴.
- رودنبولر، اریک دبلیو (۱۳۸۹)، *ارتباطات آیینی: از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سو، آلوین (۱۳۸۸)، *تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، چاپ چهارم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.



شیرزادی، رضا (۱۳۸۹)، «برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۱.

فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، *ارتباطات انسانی*، ج ۱. تهران: رسا.  
فرهنگی، علی‌اکبر، ابوالفضل دانایی و رقیه جامع (۱۳۹۰)، *ارتباطات توسعه در جهان سوم*، تهران: رسا.

فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.  
فیسک، جان (۱۳۸۶)، *درآمدی بر مطالعات ارتباطی*، ترجمه مهدی غبرایی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

کاموری مقدم، بیژن (۱۳۸۳)، «مروری کوتاه بر تاریخچه برنامه‌ریزی در ایران»، *پیام مدیران فنی و اجرایی*، سال سوم، شماره ۹.

معمارزاده، غلامرضا، رضا نجف‌بیگی و عبدالقادر تکه‌ای (۱۳۹۳)، «طراحی مدل کنترل استراتژیک تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست راهبردی و کلان*، سال دوم، شماره ۶.

مک لئود، تاس‌اچ (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی در ایران: براساس تجارب گروه مشاوران هاروارد*، ترجمه علی‌اعظم محمدبیگی، تهران: نی.

منصوریان، یزدان (۱۳۸۵)، «گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، *مجموعه مقالات همایش چالش‌های علم اطلاعات*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۱)، *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، مترجمان محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.  
مصاحبه محقق با نمونه‌های هدفمند از میان اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام (براساس شرح و کیفیت مندرج در بخش دوم این پژوهش)

#### منابع لاتین

Carey, James.W. (2009), *Communication as Culture: Essays on Media and Society*, New York and London: Rutledge.

Chamberlain, Kerry (1995), *What Is Grounded Theory? Qualitative Research For The Human Sciences*: <http://books.google.com/books?id>

Laclau, Ernesto. (1990), *New Reflections on the Revolution of our Time*, London: verso

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985), *Naturalistic inquiry*, Beverly Hills, CA: Sage.  
Retrieved June 20, 2011 from <http://www.qualres.org/HomeLinc-3684.html>

Petty, N. J., Thomson, O. P., & Stew, G (2012), "Ready for a Paradigm Shift. Part1: Introducing Qualitative Research Methodologies and Methods", *Manual Therapy*, Vol.17, No.5: 378-384.

ROOS, Johan and Madeleine ROOS (2006), *On Spontaneity*, The Oxford Handbook of Organizational Decision Making 2007, <http://www.imagilab.org/pdf/wp06/WP72>.

Thurmond, V.A. (2001), "The point of triangulation", *Journal of nursing scholarship*, Vol.33, No.3: 253-258.

[www.csr.ir](http://www.csr.ir)

[www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

